

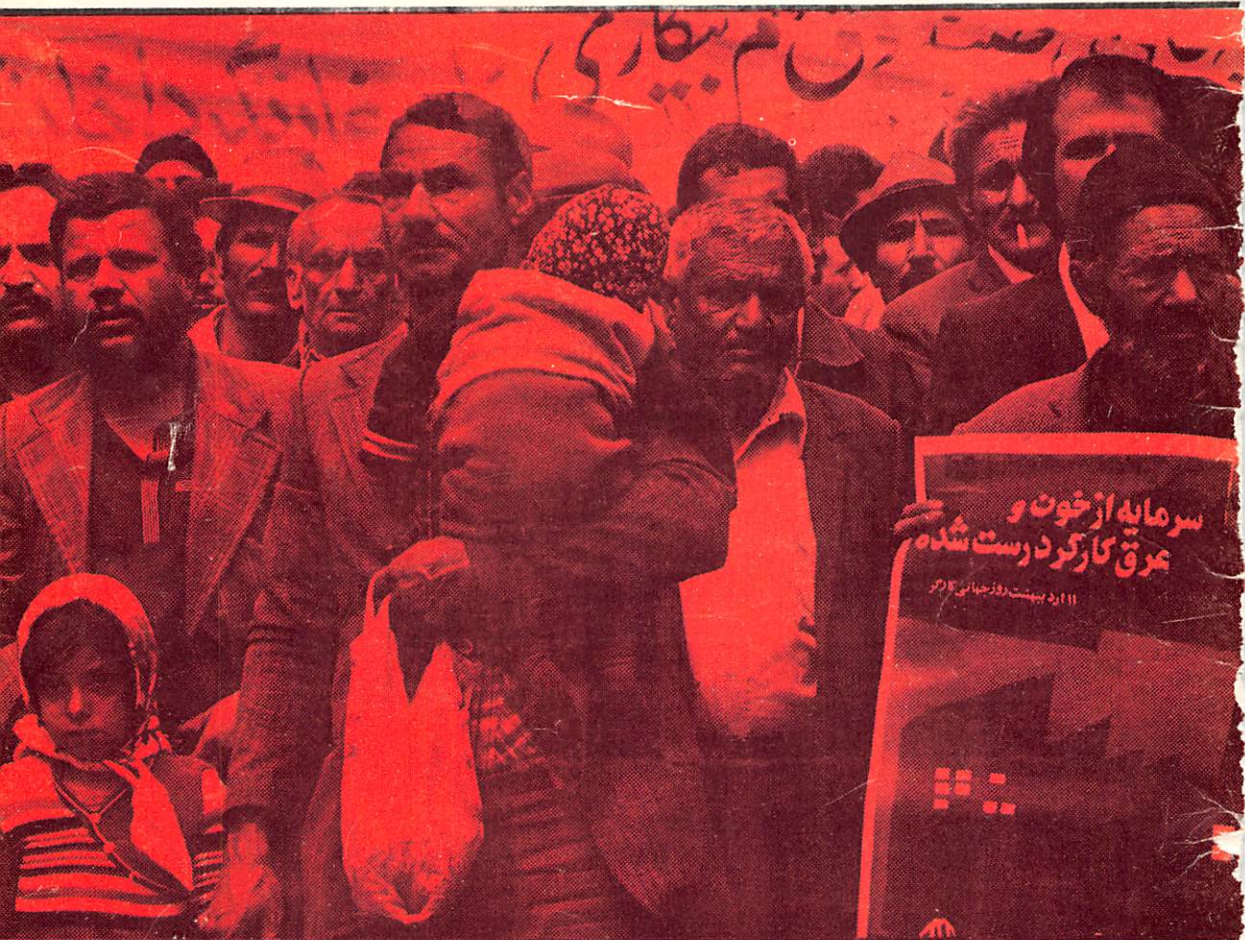


# کارگر، به پیش!

(نشریه کارگری سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

شماره ۵

۸ خرداد ۱۳۵۸



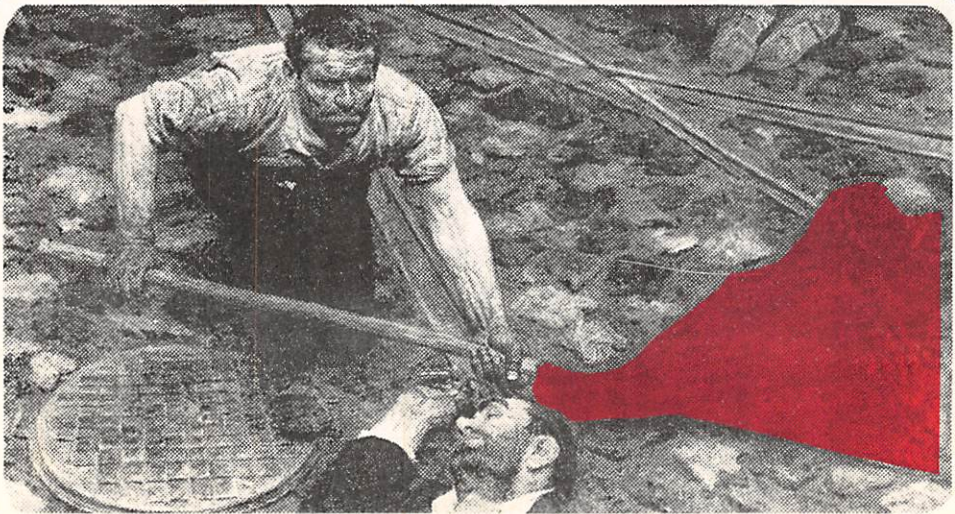
« انقلاب، با خون و رنج و فداکاری زحمتکشانشان به پیروزی رسید. ثمره آنها از این انقلاب چیست؟ »



- ۳۰..... سرمقاله
- ۹ ..... چه کسانی ضد انقلابی هستند؟
- ۱۰..... ۱۴۰۰۰ کارگر پروژه‌های آبادان
- ۱۵..... چه کسانی مخالف اتحاد کارگران هستند.
- ۱۸..... اتحاد تنها راه کارگران شهرک اکباتان است
- ۲۱..... تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران (۲)
- ۲۵..... وقتیکه وزارت کار کارگران شرکت آرمه را سر میدواند
- ۲۸..... کارگران راهپیمایی ۵۰۰ هزار نفری روز کارگر راهبری کردند
- ۳۲..... با تفرقه اندازیهای مدیر اجرایی "ارج" مبارزه کنیم
- ۳۸..... درود بر کارگران مبارز متوساک
- ۳۸..... چند نکته روز -
- ۴۲..... اخبار کارگری
- ۴۸..... صفحه خودتان =
- ۵۲..... کارفرما میبرد محصول رنج بیشمارم
- ۵۳..... اعتراضات رانندگان تاکسی مشهد
- ۵۴..... "مدت کاری" که کارگر در اختیار کارفرما میگذارد، کدام است

## توضیح:

در نشریه شماره ۴، صفحه ۶۴، در خبر مربوط به کارگران "جین مد" تعداد اعضای سندیکا ۸ نفر نوشته شده، در حالیکه درست آن، تعداد مسئولان سندیکا است.





# سرمقاله

## • طبقه کارگر ایران، در راه ایجاد تشکیلات واقعی خود



کارگران نداشت، زیرا که آنها از کارگران جدا بودند. کارگران برای خودشان مبارزه میکردند و آنها هم برای خودشان! از همین جهت نتوانستند کارگران را متشکل و یکپارچه کنند، و نتوانستند آگاهی های طبقاتی و سیاسی را به درون کارگران ببرند. حتی با مبارزات چریکی خود، ذهن برخی از کارگران آگاه را از منافع و مبارزه طبقه خودشان (کارگران) هم منحرف کردند.

**کارگران میهن ما، در مبارزاتشان، همیشه خودشان بودند و خودشان.**

اما این نیروها، اکنون تا حدودی اصلاح شده اند. آنها تا حدودی شکل مبارزه خود را عوض کرده اند و تصمیم گرفته اند بمیان کارگران بروند تا به کارگران برای آگاه شدن و متشکل شدن در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر، کمک کنند. اگرچه برخی از نیروهای سیاسی جامعه و همچنین دانشجویانی که زندگی خود را وقف طبقه کارگر کرده و در راه آزادی کارگران مبارزه میکنند، در طی سالهای اخیر با کارکردن در کارخانه ها و زندگی در کنار کارگران، کمر همت به بردن

طبقه کارگر ایران، اینک در صدد است که در سها و اثراتی را که از شرکت در مبارزه انقلابی مردم کشور ماطی یکی دو سال اخیر بدست آورده است، در عمل پیاده کند. بعد از سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه، طبقه کارگر ایران، وارد در یک دوره جدید از مبارزات طبقاتی خود شده است و می رود تا با ایجاد تشکیلات واقعی خود، تشکل و وحدت کارگران را عمیق تر کرده و مبارزات پرشکوه خود را با گام های استوار تر و مصمم تر تا پیروزی کامل، ادامه دهد.

رژیم دیکتاتور شاه که سالها کارگران را با فشار و خفقان خود، اسیر کرده و مانع بسیار مهمی در بالارفتن رشد آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران بود، سرنگون شده است. مبارزه انقلابی و رو در روئی که مردم ستم دیده جامعه ما در طی یکی دو سال اخیر با رژیم مزدور شاه خائن داشتند، موجب شد که کارگران که سالها تحت فشار و خفقان و دیکتاتور رژیم پهلوی، از هرگونه آگاهی سیاسی محروم شده بودند، امکانات تازه ای برای رفع این کمبود خود بدست آورند.

نیروهای انقلابی طرفدار طبقه کارگر در طی سالهای اخیر، فداکاریها و شورا انقلابی زیادی از خود، نشان دادند. اما مبارزه شان نفعی به حال



عظمت آن آگاه هستیم ، اما این شرکت فداکارانه و جانبازانانه ، کاملاً پراکنده بوده و کارگران بدون اینکه در سازمان های صنفی و سیاسی خود متشکل شده و دارای حزب خود باشند ، در این انقلاب شرکت جستند .

ولی اکنون که به فداکاری ها و جانبازیهای کارگران در انقلاب اخیر نگاه میکنیم و نقش ارزنده آنها را در سر-نگونی رژیم پهلوی در نظر میگیریم ، می-بینیم که در عوض ، کارگران هیچ شرکت و دخالتی در قدرت سیاسی و اداره امور کشور ، ندارند .

حکومتی که اکنون سرکار آمده است ، در واقع ، هم حکومت سرمایه داران ساز-شکار است و هم حکومت افرادی متعصب و عقب مانده . طبعاً در چنین حکومتی ، دست غارتگران خارجی بطور کامل قطع نشده است و از همین جهت هم هست که توده های مردم ما و بخصوص کارگران ، وضع زندگیشان از گذشته ، بهتر نشده هیچ ، حتی بدتر هم شده است . هم اکنون ، گرانی و بیکاری کمر کارگران را شکسته است . ممکن است گفته شود که خوب ، انقلاب شده ، و خراب-بیهائی بوجود آمده که باید درست شود ، بسیار خوب ، ولی مسئله این است که برنامها و یاشان برای کارگران و زحمتکشها چیست ؟ آنها کدامیک از خواسته های ملی کارگران را نظیر ۴۰ ساعت کار ، نظیر ملی شدن بانکها و ... قبول کرده اند ؟

**بیکاری و پرداختن حقوق ماههای اخیر، درد-**

**مشترک میلیونها کارگر ایرانی است .**

آگاهی های طبقاتی و سیاسی بدون کار-گران و متشکل کردن آنها بسته اند ، اما این فعالیت تا همین اواخر ، بسیار اندک و محدود بوده و هرگز نمی توانسته تأثیر قابل ملاحظه ای بر روی کارگران داشته باشد . از همین جهت است که می بینیم علاوه بر اینکه رژیم شاه بازور سرنیزه و ساواک خود ، از هرگونه آگاه شدن و متشکل شدن کارگران جلوگیری میکرد ، در-واقع نیروها و افراد قابل ملاحظه ای هم نبوده اند که حاضر باشند با تلاش و فعالیت پیگیر و مداوم ، سعی در آگاه کردن و متشکل کردن کارگران بنمایند . اینست که کارگران میهن ما ، بقول معروف همیشه خودشان بوده اند و خودشان .

همانطور که گفتیم ، آن حالت انقلابی ای که در جامعه بوجود آمده بود تأثیر زیادی بر روی کارگران گذارده و آگاهی کارگران به حق و حقوق خود را ، به میزان زیادی بالا برده است . موج اعتما-بات سراسری کارگران در نیمه سال گذشته ، بخوبی نشان دهنده این مطلب است .

**کارگران در انقلاب مردم ایران ، فداکارانه شرکت کردند ولی این شرکت پراکنده و بدون وجود سازمانهای واقعی کاری بود .**

کارگران در جریان انقلاب ، با شرکت در اشکال مختلف مبارزاتی مردم از قبیل تظاهرات ، اعتصابات و قیام مسلحانه بهمن ، نقش عظیم خود را در سرنگونی رژیم سلطنت پهلوی و ضربه زدن به امپریالیسم ( بخصوص آمریکا ) نشان دادند . بخصوص اعتصابات پیگیرانه و مداوم کار-گران صنعت نفت ، که بخوبی به اهمیت و





از نظر صنفی، مهمترین مسئله‌ای که اکنون کارگران ایران با آن روبرو هستند، مسئله بیکاری و نپرداختن حقوق و مزایای چندماهه اخیر آنهاست. این دردی است که میلیونها کارگروطن ما، در آن مشترکند.

در شرایط فعلی، کارگران ما خیلی بیشتر از آنکه چوب سرمایه‌داران و متعصبان به حکومت‌رسیده را بخورند، چوب پراکندگی و ناآگاهی خودشان را می‌خورند. ضربه اصلی‌ای که بکارگران وارد می‌آید از آنجاست که کارگران تشکیلات سیاسی خودشان را که همان حزب طبقه کارگراست، ندارند.

البته اکنون موقعیت مناسبی بوجود آمده است تا طبقه کارگر ایران پایه‌های تشکیلات صنفی و سیاسی خود را بریزد. تشکیلات صنفی کارگران، بصورت اتحادیه های سراسری است و تشکیلات سیاسی کارگران، که سازمان رهبری‌کننده کارگران است همان حزب طبقه کارگر است، اما این موقعیت مناسبی که می‌گوئیم، چیست؟

کارگران در طی مبارزات طولانی‌شان برعلیه رژیم شاه و سرمایه‌داران بخصوص در طی همین یکی دو سال اخیر، تجربیات و درسهای گرانبھائی از نظر شناختن چهره ضدکارگری و ضدخلقی رژیم شاه و سرمایه‌داران بدست آورده‌اند.

کارگران در طی مبارزات طولانی‌شان برعلیه رژیم شاه و سرمایه‌داران، تجربیات و درسهای گرانبھائی در باره ایجاد تشکیلات و سازمان‌های واقعی‌شان آموخته‌اند. با در نظر گرفتن تمامی اینهاست که در شرایط فعلی، کارگران میهن ما امکانات بسیار زیادی برای اتحاد و متشکل شدن دارند.

البته سراز آگاه شدن و متشکل

شدن کارگران، موانع و سختی‌های بسیار زیادی از طرف افراد و نیروهای متعصب و ضدکارگر بوجود می‌آید و خیلی اشخاص هستند که اتحاد کارگران را به ضرر خود میدانند. اما از آنجا که جواز عبور طبقه کارگر را، تاریخ مادر کرده است، دریا-یان این راه پرپیچ و خم، فقط پیروزی است که انتظار کارگران را میکشد.

بهمین خاطر هم هست که می‌بینیم کارگران ما بخوبی نشان داده‌اند که با شایستگی تمام، به بهترین وجهی از این موقعیت جدید استفاده میکنند. کارگران به نیرو و توان خودشان ایمان دارند و با اتکا به همین نیروست که میتوانند در



کارگران پروژه‌های بیکار آبادان و حومه" نام برد که این آخری به تنهائی حدود ۱۴۰۰۰ کارگر عضو دارد .

این شوراها و تشکیلات کارگری با فعالیت و ابتکار کارگران آگاه و مبارز تشکیل یافته و هم اکنون نقش بسیار مهمی در متشکل کردن کارگران و بدست آوردن حق و حقوق آنها بعهده دارند. درپی ایجاد تشکیلات فوق ، قدمهای ایجاد تشکیلات سراسری نیز از طرف آگاه‌ترین و مبارز ترین کارگران برداشته میشود و کارگران آگاه در صددند تا هرچه زودتر و صحیح تر به این ضرورت جنبش کارگری پاسخ مناسبی بدهند .

مسئله باارزش تر و امید بخش تری که مادراوضاع فعلی کارگران ایران شاهدش هستیم ، سراسری شدن این تشکیلات کارگری است . کارگران که روز بروز آگاهی بیشتری به حقوق و منافع طبقاتی خود پیدا میکنند و برای کسب منافع طبقاتی خود ، ضرورت و لزوم شکل و یکپارچگی راهر روز از روز پیش بیشتر احساس میکنند ، قدم را از تشکیل شوراها و سندیکاها نیز فراتر گذارده و به تشکیل شوراها و اتحادیه‌های چندکارخانه‌پردا خته اند .

## امروزه کارگران حتی به تشکیل شوراهای مشترک چهند کارخانه میپردازند .

از جمله این تشکیلات سراسری می توان از " شورای مؤسسه اتحادیه‌های سراسری کارگران ایران" نام برد که در حال حاضر نمایندگان چندین سندیکا و شورای کارگری در آن شرکت دارند . علاوه

مبارزاتی که بخاطر بهبود شرایط کار و کسب حقوق پایمال شده‌شان میکنند ، به پیروزی برسند .

## کارگران باید در پی ایجاد تشکیلاتی بدست خود، از میان خود و برای خود باشند .

با اتکا به همین نیروست که برای کسب قدرت سیاسی و شرکت در اداره امور کشور مبارزه میکنند . کارگران میهن ما روز بروز لزوم متشکل شدن و آگاه شدن را بیشتر درک کرده و در نتیجه گام بگام در جهت ایجاد تشکیلات واقعی خود، به پیش میروند . تشکیلاتی که بدست خود از میان خود و برای خود بوجود می آورند . و درست بهمین خاطر که کارگران روز بروز بیشتر درک میکنند که باید بر روی پاهای خود شان بایستند ، است که ما شاهد ایجاد دهها شورا و سندیکای کارگری در طی ماههای اخیر بوده ایم .

از جمله این شوراها میتوان شورا های کارگری در کارخانه های ارج ، شو - فاژکار ، تراکتورسازی تبریز ، ماشین سازی تبریز ، ماشین سازی اراک ، بنز خاور ، تکنوکار ، آردو ، چاپخانه آپادانا ، صنعت نفت ، صنایع فولاد اهواز ، کاترپیلارتهران ، صنعتی جنرال ، مزدا و بسیاری دیگر از شوراها در شهرستانهای مختلف کشور را نام برد .

همچنین کارگران بیکار ، چه در تهران و چه در شهرستانها ، دست به ایجاد تشکیلات وسیع کارگری زده اند . از جمله میتوان از " هیئت مؤسسه شورای کارگران بیکار" ، " کارگران اخراجی و بیکار شده اهواز و حومه" و "سندیکای



از قبیل اتحادیه‌ها و شوراهای کارگری تا زمانی که از یک مرکز رهبری کنش‌ده سیاسی برخوردار نباشند، می‌توانند به این هدف فوق‌جامه عمل پیوشانند؟ طبیعتاً نه. کارگران فقط در صورت داشتن یک حزب سیاسی است که می‌توانند به آزادی واقعی برسند. تشکیلات صنفی کارگری چون از یک رهبری سیاسی برخوردار نیست، خیلی زود می‌تواند با حکومت سرمایه‌داری و سایر سرمایه‌داران بسازش برسد و آلت دست سرمایه‌داران و دولت بشود. در صورتیکه کارگران وقتی دارای یک سازمان سیاسی آگاه باشند که به آنها آگاهی سیاسی داده و آنها را به دور خود متشکل کند، تنها آن وقت است که هرگز راه سازشی باقی نمی‌ماند و میدانیم که این سازمان سیاسی هم چیزی جز حزب طبقه کارگر نیست.

البته طبیعی است که مبارزه کارگران برای ایجاد تشکیلات و حزب واقعیشان چیزی نیست که به این آسانی‌ها امکان پذیر باشد. اگر چه ما موفق شده‌ایم رژیم محمد رضا شاه را سرنگون کنیم، اما هنوز این تمام کار نیست و ما هنوز نتوانسته ایم آزادیهای سیاسی را که در سایه آن، کارگران بتوانند آزادانه به تشکیل سازمانهای صنفی و سیاسی خود بپردازند، بدست آوریم.



براین، خبر تازه‌ای داریم از تشکیل شورای مشترک سه کارخانه ممتاز، تبریز و توکلی در آذربایجان.

البته نمونه‌های تشکل‌های بزرگ کارگری را تنها در این موارد نمی‌توان خلاصه کرد. شرکت متجاوز از ۱۰۰۰۰ کارگر در جریان راهپیمائی روز کارگر (اول ماه مه) که بدعوت شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه از خانه کارگر تهران آغاز شد، نمونه باشکوه دیگری از دستهای بهم پیوسته‌ای را بنمایش می‌گذارد که می‌رود تا نقش عظیم و حیاتی خود را در جامعه ایفا نماید.

## طبقه کارگر ایران با ایجاد تشکیلات واقعی خود، می‌رود تا مبارزات پرشکوه خود را با گامهای استوارتری پیش برد.

اما یک نکته بسیار مهم را که در این میان نباید فراموش کرد، این است که مبارزه کارگران فقط برای گرفتن یک سری امتیازات صنفی و سیاسی از سرمایه‌داران و حکومت سرمایه‌داری نیست. کارگران باید برای بدست آوردن آزادی سیاسی واقعی، آزادی که نه در یک رژیم سرمایه‌داری بلکه در جمهوری دمکراتیک خلق، که در آن کارگران در دولت نقش اصلی را دارند، آزادی‌ای که در پناه آن بتوانند هرچه بیشتر دور هم جمع شده و در سازمان‌های هرچه وسیعتر صنفی و سیاسی متشکل شوند، مبارزه کنند تا با استفاده از آزادیهاییکه بدست آمده مبارزه را برای هدف‌نهایی خود یعنی مبارزه برعلیه نظام سرمایه‌داری و نابودی آن ادامه دهند.

اما برای استی تشکیلات کارگری







## کسانی ضد انقلابی هستند؟!



خیابان ۲۴ متری) آمده و با ما مذاکره کرد. مذاکرات در آنروز پایان نگرفت، در نتیجه روز پنجشنبه ۱۶ فروردین مجدداً در آن محل گرد آمدیم. در همین روز عده‌ای حدود ۲۰ نفر قبل از همه آمده بودند و در بین ما می‌گشتند و ضمن اینکه می‌گفتند شما ضد انقلابی و خائن هستید جمع را تحریک می‌کردند. حدود ساعت ۹ صبح دو نفر که با نشان دادن نامه‌ای خود را فرستاده کمیته امام در تهران معرفی می‌کردند (اسامی آنها موجود است و در صورت لزوم آنها را معرفی می‌کنیم.) وارد شده و ضمن اینکه می‌گفتند شما را گول زده‌اند، با این دید که ما برای گدائی آمده ایم پیشنهاد کردند که بیاید و نفری ۷۵۰ تومان بگیرید و متفرق شوید. گویا مشکل بیکاری ما یا این ۷۵۰ تومان حل می‌شود! پس از رفتن آنها همان عده‌ای که از صبح مشغول تحریک کردن و توهین به ما بودند، با کمک عده دیگری که از طرف کمیته امام در اهواز آمده بودند با کمر بند و پنجه بکس دو نفر از ما را مجروح کرده و جمعا ۷ نفر را دستگیر کرده و با خود به کمیته بردند، و ضمن توهین به تمام کارگران و بی احترامی به خواسته‌های ما، جمع ما را متفرق کردند. آیا خواست ما که کار

جنایات ساواک برای همه روشن است. با اینحال ساواکی‌ها بطور پی در پی در جلوی نخست‌وزیری اجتماع می‌کنند و خواسته‌های خود را اعلام کرده و در کمال آرامش متفرق می‌شوند و هیچ‌کس هم مزاحم آنها نمی‌شود. ولی اجتماعات ما کارگران مرتب با حمله‌های وحشیانه روبرو شده و به شدیدترین شکلی مورد تهاجم قرار می‌گیرند. در نتیجه انقلاب عظیم مردم ایران که باعث شد رژیم ستمگرا شاه خائن سرنگون و به منافع اربابان غارتگرش ضربات مهلک وارد آید، تعداد زیادی از ما کارگران که همواره همدوش سایر اقشار و طبقات در این بیکار خونین شرکت داشته ایم بیکار شده یا اخراج شده ایم. به همین جهت ما کارگران بیکار اهواز و حومه جهت اعلام آمادگی برای بازسازی مملکت و اعلام خواسته‌های خود در تاریخ ۵۸/۱/۱۴ در جلوی اداره کار جمع شده و خواسته‌های بحق خود را طی قطعنامه‌ای اعلام کردیم. همان روز عده‌ای از طرف کمیته امام آمدند و سه نفر از کارگران را دستگیر کرده و به کمیته بردند. روز بعد بمجرد تجمع، عده‌ای عناصر مشکوک بین ما آمدند و سعی در تحریک کارگران نموده و تهدید می‌کردند که باید متفرق شوید و این حرکت شما ضد انقلابی است. سپس نماینده‌ای از طرف اداره کار به محل تجمع (سالن سازمان کارگران سابق واقع در



# ... کارگر پروژه‌های



- \* چگونه چماقداران و چاقو کشان به کارگران حمله کردند؟
- \* سر دسته چماقداران و سرمایه‌دار عضو کمیته امام هستند .
- \* زخمی شدن سه کارگر .
- \* رادیو، کارگران را ضد انقلابی خواند .

وقتی به تاریخچه تشکیل "سند یکای کارگران پروژه‌های فصلی آبادان" و مبارزات این بخش از کارگران میهن مان توجه میکنیم و به یاد می‌آوریم که این کارگران، برای رسیدن به طبیعی‌ترین و معمولی‌ترین خواسته‌های خود چه رنجها و مشکلاتی را در پیش روی داشته‌وارند بی اختیار بیاد کلیه کارگران میهن مان می‌افتیم .

بیاد کارگران سایر شهرها از قبیل تهران تبریز ، اصفهان ، اهواز ، مشهد و خلاصه کارگران تمامی مناطق ایران .

امروزه در زمینه صنفی و مسئله اساسی برای کارگران میهن ما مطرح است که عبارتست از "بیکاری" و "عدم پرداخت حقوق و مزایای چند ماهه اخیر" آنها . علاوه بر این دو مسئله ، مسائل بسیار دیگری هم برای کارگران مطرح است که مجموعه این مشکلات ، کمر کارگران را در زیر بار زندگی سراسر رنج و محنت شان ، خم کرده است . اما کارگران ساکت ننشسته و مبارزات پی‌گیری را در گوشه و کنار کشور برای رسیدن به این حقوق اولیه خود ، آغاز کرده‌اند .

از جمله این مبارزات ، تشکیل "سند یکای کارگران پروژه‌های فصلی آبادان و حومه" است که حدود ۱۴۰۰ نفر کارگر در آن عضویت

یافته و متشکل شده‌اند . این ، یکی از بزرگترین تشکلهای کارگری در ایران است . کارگران پروژه‌های ، معمولاً به کارگرانی میگویند که بر روی طرح‌ها و برنامه‌های صنعتی و عمرانی کار میکنند . آنها استخدام رسمی نیستند و هر چند وقت ، با یک شرکت پیمانکار می‌شوند و پس از پایان کار شرکت ، دوباره بیکار میشوند تا زمانی که کار تازه‌ای پیدا کنند . این دسته از کارگران ، هیچگونه تأمین شغلی نداشته و بیمه نیستند . برخی از این کارگران ، حدود یکسال است که بیکارند . . . .

## • سند یکا چگونه تشکیل شد؟

خواست جریان تشکیل سند یکا را از زبان خود کارگران پروژه‌های بشنویم: "در جریان انقلاب پر خروش خلق قهرمان ایران ،



# آبادان متشکل شده‌اند.

سند یکای کارگران پروژه‌ای که قبلاً "تشکیل خود را به تصویب کمیته امام و فرمانداری رسانیده بود، بارها از رادیو تلویزیون خواسته بود که آگهی تشکیل آنرا برای جلب سایر کارگران، پخش کنند اما بعد از ۲۵ روز تلاش، با این کار موافقت نشد. در حالی که با تشکیل اتحادیه کارگران و تحصیل کرده‌ها، بلافاصله در رادیو نفت ملی با آب و

تاب بسیار در آن مورد صحبت شد (۱)

لازم به تذکر است که تشکیل "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده‌ها" بهیچوجه از جانب کارگران نبوده بلکه عمده تشکیل دهندگان آن را مقاطعه کاران و پیمانکارانی تشکیل می‌دهند که عمری خون کارگران را مکیده‌اند و حالا در کمیته‌های امام نفوذ کرده‌اند. بقول یکی از کارگران پروژه‌ای: "ما، در اقداماتی نظیر آنچه که بنام اتحادیه روی داده است، دست مقاطعه کارها را که یک عمر مثل زالو خون‌مان را مکیده‌اند، می‌بینیم. اینها در کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند و می‌خواهند فتنه بپا کنند. می‌خواهند مثل همیشه کمر کارگران را بشکنند و بین آنها تفرقه بیندازند." با این ترتیب، بوضوح می‌بینیم که این اتحادیه، فقط برای ضربه زدن به سندیکای کارگران پروژه‌ای و از هم پاشاندن آن بوجود آمده و هدف آن، فقط این بوده که از تشکل و یکپارچگی کارگران جلوگیری بعمل آید. و گرنه با توجه به اینکه سندیکای کارگران پروژه‌ای، حتی با تأیید شورای انقلاب اسلامی آبادان، ستاد کمیته انقلاب اسلامی و فرمانداری شهر-ستان آبادان بوجود آمده است، دیگر

زمانی که دانشگاه‌های کشور بروی مردم باز شد، ما کارگران بیکار آبادان هم در اجتماع مردم در دانشکده نفت شرکت کرده و از فضای نیمه دموکراتیکی که ایجاد شده بود استفاده کرده و در طی جلساتی که در آنجا برگزار کردیم، ضمن تماس با سایر کارگران بیکار به این نتیجه رسیدیم که لازم است که ما، یک سندیکا داشته باشیم.

قبل از اینکه این کارگران بتوانند در نتیجه مبارزات پیگیر خود، مکانی را برای تجمعشان بدست آورند، در قهوه خانه بوشهری‌ها در پاساژ الفی جمع شده و به ثبت نام اعضا و تنظیم دفتر مختلف برای عضویت می‌پرداختند، در اینجا، بارها از طرف افراد مسلح کمیته به آنها حمله شده، برخی از آنها دستگیر میشدند، دفاترشان پاره می‌شد و از قهوه خانه بیرون انداخته میشدند.

## ● علم شدن اتحادیه قلبانی

علاوه بر این، در روزهایی که اساسنامه سندیکا نوشته شده و قرار بود تصویب شود، ناگهان تشکیلات تازه‌ای بنام "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده‌ها" در مسجد بهبهانی‌ها اعلام موجودیت کرد و مدعی شد که به کارگران بیکار مقداری پول بعنوان وجه دستی پرداخت میکند.

اتحادیه قلبانی "کارگران و تحصیل کرده‌ها" در اصل برای از هم پاشاندن سندیکای موجود آمد.



تشکیل يك سند يكای دیگر ، چه معنائی دارد ؟  
 بقول خود کارگران پروژه ای : " این مسئله  
 برای ما خیلی تعجب آور بود . زیرا این به  
 اصطلاح اتحادیه کارگری دیگر از کجا بوجود  
 آمد ؟ ما که سند یکای کارگران بیکار را بسا  
 تا باید مراجع مسئول تشکیل داده بودیم .  
 چگونه شد که وجه دستی را از طریق اتحادیه  
 من در آوردی فوق میدهند ؟ ! "

مأمورین مسلح کمیته بجای اینکه بیاری کارگران  
 بشتابند ، بر علیه کارگران شروع به تیر اندازی  
 هوائی می کنند که سرانجام با دخالت دادستان  
 ن ، اوضاع آرام می شود .  
 بعداً " معلوم شد که سر دستۀ ایین  
 چماقداران ، دو نفر از سرمایه داران آبادان  
 بنام های " محمود ذغالی " و " علی محمدی "  
 هستند ، که نفردوم بهمراه ۲ نفر دیگر از  
 چماق بدستان بوسیله کارگران دستگیر می -  
 شود . این دو نفر سرمایه دار ، هر دو از  
 اعضای کمیته امام هستند .

### چماق بدستان و چاقو تنگ جدید ضد کارگری

کارگران پروژه ای بعنوان اعتراض و روشن  
 شدن جریان چگونگی تشکیل اتحادیه قلبی ،  
 نمایندگانی از طرف خود به فرمانداری می -  
 فرستند تا در آنجا با فرماندار و دادستان  
 مذاکره کنند . در حین مذاکره ناگهان عده -  
 ای افراد مشکوک به جلسه مذاکره حمله کرده  
 و در حالی که با چوب و چاقو و سنگ مجهز  
 بودند شروع به فحاشی به کارگران کرده و آنها  
 را مورد حمله قرار می دهند . در این حمله  
 نا جوانمردانه ، یکی از کارگران بنام " رنجبر "  
 با چاقو مجروح میشود . دندانهای کارگر  
 دیگری بنام " توج قبادپور " را با مشتی که  
 به دهانش میزنند خورد میکنند و دست کارگر  
 دیگری بنام " لطیفی " را می شکنند .

### تتمت زدن به کارگران

بعد از این حمله ناجوانمردانه ، در  
 شهر شایعات زیادی پخش میشود مبنی بر  
 اینکه کارگران پروژه ای ضد انقلابی و اخلاکگر  
 هستند . حتی خود رادیوی نفت ملی هم  
 کارگران را عناصری ضد انقلابی معرفی میکند  
 و یا ادعا میشود که کارگران ، فرماندار و  
 دادستان را در فرمانداری به گروگان گرفته  
 بودند ! در حالی که صورتجلسه ای که  
 کارگران به اتفاق فرماندار و دادستان امضا  
 کرده بودند خود بهترین گواه بر دروغ بودن  
 این شایعه است .

### چماق بدستان با چوب و سنگ به نفر از کارگران را مجروح می کنند !

علاوه بر اینها ، کارگر دیگری بنام " اکبر زبیر  
 دست " را تهدید می کنند که خانه اش را آتش  
 خواهند زد .

افراد مشکوک شیشه های فرمانداری را هم  
 خورد می کنند . سر رسیدن مأمورین کمیته هم به  
 هیچوجه کمکی به حل مسئله نمی کند چرا که

### اگر ما سازش کنیم به ۴ میلیون کارگر خیانت کرده ایم .

### مخصن کارگران

کارگران که می بینند در راه بدست آوردن  
 حق و حقوق طبیعی شان کاملاً تنها هستند و  
 حتی برعکس از طرف کمیته امام و رادیو و



می خورد، این بود که از ورود دانشجویان و دانش آموزان آگاه به داخل سندیکا جلوگیری می کردند. احتمالاً این کار برای این بود که بهانه‌های دست عناصر مرتجع و ضد کارگر ندهند البته این درست است که رفت و آمد دانشجویان و دانش آموزان به داخل سندیکا امکان مخالفت‌هایی را از جانب این عناصر به همراه داشت. اما نکته اساسی تر و مهم تر، لزوم بالا رفتن آگاهی های سیاسی کارگران است. این چیزی است که نه فقط کارگران پروژه ای آبادان، بلکه کلیه کارگران میهن ما، امروزه شدیداً "بدان نیاز دارند. و به هر قیمتی شده باید از راههای مختلف، آگاهی سیاسی خود را بالا ببرند. رفت و آمد دانشجویان و دانش آموزان به داخل سندیکا، از جمله مواردی است که کمک بسیاری می تواند به این امر بکند.

## خواسته های محق کارگران پرورشی در طی تحسن:

- ۱- مجازات عاملین توطئه از پیش طرح شده در فرمانداری، به تحریک و سرکردگی "علی محمدی" و "محمود ذغالی".
- ۲- تکذیب خبر اعلام شده از رادیو نفت ملی، مبنی بر ضد انقلابی بودن کارگران پروژه ای، و اعاده حیثیت از طریق رادیو و تلویزیون.
- ۳- برسمیت شناختن کامل سندیکای کارگران پروژه ای از طرف وزارت کار و امور اجتماعی.
- ۴- انحلال اتحادیه قلابی به اسم مجهول و من در آوردی "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" در مسجد بهبهانیها.

ادامه در صفحه ۴۱



کسانی که سنگ مذهب را به سینه میزنند مورد حمله قرار گرفته اند، بعنوان اعتراض به همه این بر خورد های ضد کارگری در محل سندیکا دست به تحسن می زنند. روز شروع تحسن یکشنبه ۱۹ فروردین بود.

در یکی از روزهای تحسن، عبدالمجید زرگر دادستان آبادان، نامه ای برای یکی از اعضای سندیکا فرستاده و او را برای ملاقات با خود، دعوت میکند. این عضو هم که فرد سازشکاری است بدون اینکه مسئله را با سایر همکارانش در میان بگذارد، دعوت دادستان را می پذیرد. اما سایر کارگران به وی اعتراض کرده و به دادستان می گویند: "ما یک نماینده نداریم و هیئت مؤسس داریم. بنابراین دادستان حق ندارد با یک نفر ملاقات کند. از آن گذشته ما متحصن هستیم و دادستان باید برای ملاقات ما به اینجا بیاید." و بدین ترتیب نقشه دادستان را برای تفرقه انداختن در میان صفوف متحد کارگران، نقش بر آب می کنند. کارگران بد رستی می گفتند: "خواسته ما، خواسته خودمان نیست و اگر ما سازش کنیم، به ۴ میلیون کارگر خیانت کرده ایم."

نکته ای که در جریان تحسن کارگران بچشم



# اطلاعیه سندیکای کارگران پروژه ای آبادان

هموطنان شریف و آزاده

بسمه تعالی

ما کارگران پروژه ای ، سیزدهمین روز تحصن خود را سپری میکنیم . امامتسفانه مسئولین امر ، در مقابل خواستههای بحق ما سکوت اختیار کرده اند .

سیاست سکوت مقامات مسئول شهر آبادان باعث شده که عده ای مرتجع با استفاده از احساسات پاک جوانان ناآگاه ، بتحریک آنان پرداخته و با برچسب زدن و اتهامات گوناگون ، ما را در مقابل فرزندان و برادران خود قرار دهند . حمله امروز ( ۵۸/۱/۳۱ ) عده ای قلد رو چاقو - کتبه فرزندان و برادران دیپلمه مادر شهرداری آبادان ، یکی دیگر از توطئه های شوم این عناصر ضد انقلاب است . جوانان دیپلمه شهر ما دارای خواستههایی برحقند .

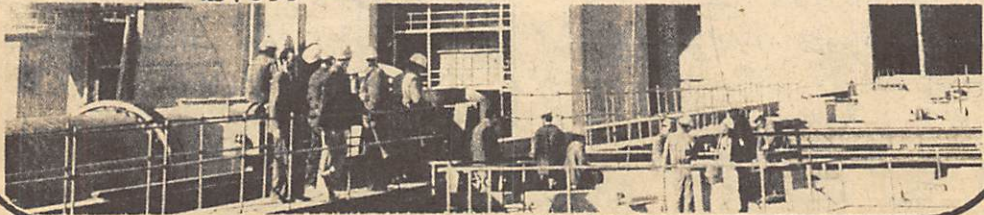
از اینها گذشته ، آنان فرزندان ما کارگراند . آیا در مقابل حق طلبی ، رواست که باچماق و چاقو بانان حمله و در انظار مردم هتاک و بی حرمتی شود ؟ بدختران و خواهزان دیپلمه ما وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین اعمال ضد بشری از طرف کسانی که در ظاهر حافظ اسلام و عدالتند اعمال شده است . آیا باگفتن کلمات زشت شنیع از قبیل " آیا قرص ضد بارداری دارید ؟ " بخواهران متحصن از طرف یکمشت لات و چاقوکش ، دفاع از دستاوردهای انقلاب است ؟ آیا پاره کردن پیراهن دیپلمه های اعتصابی که در حال ضعف بسر میبرند دفاع از انقلاب و رهنمود های امام خمینی است ؟ کدام مسلمان شرافتمند و آزاده در قبال دشمنان اسلام این قبیل اعمال را جایز میداند چه رسد به کسانی که خود ، فرزندان و خواهران ما هستند .

اعتصابیون دیپلمه که مورد یورش چماق بدستان ضد انقلابی قرار گرفتند با سرشکسته و خونین بخانه ما کارگران ( سندیکا ) پناه آورده اند . شرافت کارگری بما حکم میکند که مقدم این میهمانان را گرامی بدریم و وظیفه هر ایرانی شرافتمند آزاده میدانیم که در قبال حملات یک مشت مرتجع

و ساواکی و ناآگاه ، باخواهران و برادران دیپلمه اعلام همبستگی نمایند .

ما کارگران پروژه ای با قاطعیت تمام اعلام میکنیم در مقابل هرگونه تجاوز و توطئه ، ساکت ننشسته تا آخرین قطره خونمان از حقوق حقه خود و برادران و خواهرانمان دفاع خواهیم نمود و اجازه نخواهیم داد یک مشت ضد انقلابی مرتجع ، دستاوردهای انقلاب را که حاصل ۹۰ هزار شهید بخون خفته است از ما بگیرند .

سندیکای کارگران پروژه ای





# چه کسانی مخالف اتحاد کارگران هستند؟



کارگران بیکار و اخراجی اهواز که پی برده اند بصورت تک تک هرگز نمی توانند به حق خود برسند، از چندی پیش مشکل شده و در پی مکانی برای برگزاری اجتماعات سندیکائی و سخنرانی هستند . در این راه اگرچه بارها وزارت کار و کمیته امام با اشکال تراشی ها و کارشکنی های خمود ، خواستند که از دادن مکانی بکارگران خودداری کنند ، اما کارگران بالاخره در سایه تلاش و پشتکار خود و بعد از مدت ها مبارزه ، دوندگی و مقاومت ، موفق شدند سالن خانه کارگر ( سازمان کارگران سابق ) را جهت برگزاری اجتماعات سندیکائی شان ، بدست آورند .

کارگران بیکار و اخراجی اهواز در اولین روز اجتماع خود ( ۱۴ فروردین ) ، قطعنامه ای در ۴ ماده صادر کردند :

۱- لغو صندوق وام بیکاری که بدلیل مواد گنجانده شده در آن ، اکثریت کارگران را در بر نمیگیرد .

۲- پرداخت حق بیکاری باتوجه به هزینگی زندگی .

۳- ایجاد کارفوری برای تمام کارگران بیکار و اخراجی .

۴- تامین سالن بزرگتری جهت برگزاری اجتماعات کارگران .

هنگامی که این اجتماع برگزار می شد ، در بیرون از جلسه ، افراد کمیته امام ۳ نفر را که در مقابل اداره کار ، راجع به لزوم سندیکا و وحدت کارگران صحبت می کردند دستگیر می کنند .

روز بعد ، کارگران در دو زمین تجمع خود ، ضمن محکوم کردن دستگیری ۳ نفر یاد شده ، آزادی

بدون قید و شرط آنها را هم به خواستهای ؟ گانه فوق افزودند . در این جلسه افراد کمیته امام با بهانه هائی نظیر : " چرا عکس آقا را اینجا نزنه - آید " و " نباید چوب لای چرخ انقلاب گذاشت " و ... سعی کردند جلسه را بهم بزنند ولی بدلیل هوشیاری کارگران موفق باینکار نشدند . افراد کمیته امام در آخر جلسه بیچند نفر از کارگران پیشرو گفته بودند که فردا جلسه شما را بهم می ریزیم و همین کار را هم کردند .

روز ۱۶ فروردین بعد از تشکیل جلسه ، یک

نفر روحانی اهوازی بنام " مروج " ، پشت تریبون

رفت و شروع به صحبت کرد . او در ابتدای سخنان

نشان نامه ای رابه کارگران نشان داد مبنی بر

اینکه نمایند ه امام خمینی است ، اما صحبت

هائی که کرد هیچکدام نفعی برای کارگران

نداشت و در آن اشاره ای به وضع زندگی

کارگران ، مشکل آنها و اینکه راه حل

بیکاریشان چیست ، نداشت . حتی بعکس با

صحبت هایش موجب شلوغ شدن جلسه هم شد .

چون در اواخر سخنانش کتایه می زد به اینکه

" چرا عکس امام اینجا نیست و ... " . افراد

کمیته امام و دانش آموزان ناآگاه و متعصبی که در

آنجا حضور داشتند از این صحبت های وی ،

تحریک شده و سرو صدا و شلوغی راه انداختند

و حتی با چند نفر از کارگران ، دست به یقه شدند .



جلسه را بهم بریزند. و بالاخره با شعارهایی نظیر "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" و "کارگر اسلام یا ور توست" جلسه را بهم ریختند و شروع به زد و خورد با کارگران کردند و در این ضمن، عده دیگری از افراد کمیته امام ۷ نفر از کارگران را دستگیر کردند.

کارگران دستگیر شده ضمن اینکه خود را معرفی نمیکنند، دست به اعتصاب غذا میزنند و افراد کمیته امام پس از اذیت و آزار فراوان و بردن اینور و آنور کارگران با دستهای دست بند زده، بالاخره در ساعت ۱۰ شب آنها را آزاد میکنند.

بعد از این جریان افراد کمیته امام، در سالن خانه کارگر را قفل کرده و اجازه تجمع به کارگران نمیدهند.

کارگران اهواز در طی این چند روز در سهای گرانبهای آموختند. آنها با سیاستهای ضد کارگری کمیته امام اهواز آشنا شدند. آنها دیدند که چگونه ابراهیمی با بی شرمی هرچه تمامتر دروغ گفت. آنها دیدند که چگونه افراد کمیته امام کارگران پیشرو و آگاه را ضد انقلابی و خرابکار معرفی کردند. آنها دیدند که چگونه افراد کمیته امام با تاکتیک "تفرقه بینداز و حکومت کن" وارد میدان شده و کارگران را متفرق کردند. آنها به کارگران پیشرو میگفتند که: "شما فقط حق دارید از طرف شخص خودتان صحبت کنید

و نباید از طرف جمع صحبت کنید." و اینرا درک نمی کردند که درد همه کارگران یکی است و آن اینکه خطر گرسنگی کارگران و خانواده شان را تهدید میکند.

در حال حاضر عده زیادی از کارگران بیکار برای گرفتن وام بیکاری در رفت و آمد هستند. البته نه به سرعتی که ابراهیمی وعده داده بود. مثلا کارگرانی که روز ۵۸/۱/۱۶ فرم وام بیکاری را پر کرده بودند تا ۵ روز بعد هم موفق به دریافت پول نشده بودند. یا کسانی که روز چهارشنبه ۲۲ فروردین برای دریافت فرم مراجعه میکردند به آنها گفته میشد سه شنبه بعد مراجعه کنند و...

بعد از خوابیدن سر و صدا، شخصی به اسم "ابراهیمی" پشت تریبون رفت. او ضمن پرخ کشیدن مبارزات اسلامیش در آمریکا و فرانسه و اینکه فلان مدرکها را دارد و بدستور امام تحصیلش را ناتمام گذاشته و به ایران آمده و اینکه با و پیشنهادهای پست استان خوزستان را کردند و او قبول نکرده و ۰۰۰ سعی کرد توجه حاضران را به مقام والای خود جلب کند. ابراهیمی در ادامه سخنانش حرف تازه ای نگفت بلکه همان طرح صندوق وام بیکاری وزارت کار را که از طرف کارگران رد شده بود، بدروغ طور دیگر معرفی کرد. یعنی اینکه گفت: "دیگر شرط پستی وجود ندارد، شرط بیمه مهم نیست و... (و روزهای بعد معلوم شد که تمام این شروط وجود دارد) و از این طریق کارگران را بخود مشغول کرد و اعلام کرد که جلسه را خاتمه میدهد و کارگرانی که احتیاج پیول دارند ساعت ۴ بعد از ظهر بیایند جلوی تالار شهرداری.

## ● اشخاص متعصب و ضد کارگر، زیر نام مذنب،

### اجتماع کارگران را بهم ریختند!

منظور اصلی ابراهیمی این بود که کارگران ناآگاه را از جلسه بیرون بکشد و از تماس آنها با کارگران مبارز و آگاه جلوگیری کند. در همین رابطه بعد از رفتن ابراهیمی که کارگران مبارز سعی میکردند جلسه را ادامه دهند، افراد کمیته امام اعلام کردند: "هرکه احتیاج فوری دارد همین حالا میتواند بروی شهرداری و پولش را بگیرد و... ولی کارگران که به این دوز و کلکها آشنا شده بودند نفرتند. اینبار افراد کمیته امام با پیش کشیدن مسائل عقیدتی، شروع به تهدید کارگران مبارز و نمایندگان موقت کارگران کردند و با انواع توهینها و فحشها سعی کردند



باین ترتیب کمیته امام با طرح وام بیکاری و دروغبرد ازسهای مشخص توانست کارگران ناآگاه را بخود جلب کند. ولی طرف دیگر قضیه کارگران بیکار و اخراجی پیشرو هستند که از راههای مختلف سعی در تجدید تشکل کارگران و پیشبرد امور سندیکائی خود دارند. کارگران پیشرو با صدور اعلامیه ای با عنوان "چه کسانی ضد انقلابی هستند؟" عملیات کمیته امام را افشاء کرده اند. همچنین پشتیبانی خود را از تحصن کارگران بیکار در کاخ دادگستری در تهران اعلام کرده اند.

## کارگران اهواز

در طی این چند روز،

درسهای گراهنمایی آموختند.

## قطعنامه کارگران احسراجی و بیکار اهواز و حومه

اینکه که ما کارگران زنجیده ایران انقلاب خود را با کمک سایر اقشار و طبقات مردم برهبری امام خمینی تا سرحد نابودی رژیم طاغوتی پهلوی و عقب نشاندن پشتیبانان غارتگر خارجی اش بجلو برده ایم و در این راه از بذل جان و مال خود دریغ نکرده ایم، در وحله اول از مسئولین وزارت کار میخواهیم که به خواسته های حداقل و فوری ما کارگران که طی اجتماع روز ۵۸/۱/۱۴ در محل "سازمان کارگران" قدیم بتصویب تمام کارگران رسید، توجه کافی نموده و هرچه زودتر جواب صریح و روشنی به این خواستها بدهند.

۱- آزاد کردن فوری کارگرانی که در تاریخ ۵۸/۱/۱۴ در رابطه با اجتماع ما توسط

کمیته امام دستگیر شده اند.

۲- واگذاری محلی مناسب جهت اجتماعات و پیشبرد امر سندیکاهای کارگری.

۳- لغو طرح پیشنهادی وزارت کار در مورد صندوق وام بیکاری.

۴- پرداخت حق بیکاری در مواقع بیکاری با توجه به هزینه زندگی.

۵- ایجاد کار برای تمام بیکاران.

- کارگران اخراجی و بیکار اهواز و حومه -

ضمناً: از تمام کارگران و نیروهای انقلابی میخواهیم ما را در این راه یاری رسانند.





# اتحاد

## تتمه راه کارگران شهرک اکباتان است

تاما مشان با دفتر شهرک اکباتان زدوبند دارند . مثلا همین " حسن جوشکار " به جوشکار درجه یک روزی ۷۰ تومان میدهد ولی در لیست رقمی بیش از ۱۰۰ تومان را می نویسد . همینطور به جوشکارهای درجه ۲ و ۳ که بهر کدام ۶۵م تومان و ۵۵ تومان میدهد ، در لیست خیلی بیشتر مینویسد . البته همه حسابدارها و رئیس شرکت هم میدانند که این لیست دروغ است ولی با رشوه و باج و غیره ، سروته قضیه را ، هم می آورند .

### رفقار حسن جوشکار با کارگران وحشیانه است ، وحشی کارگران را کتک می‌میزند !

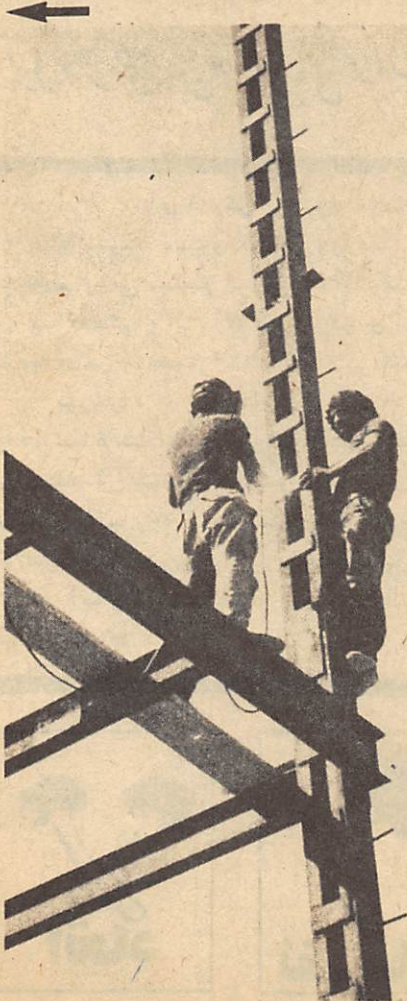
رفقار حسن جوشکار با کارگران ، خیلی توهین آمیز و وحشیانه است . بکارگران فحش میدهد و حتی کتکشان میزند . کارگران هم ، از روی ناچاری نمی توانند جواب بدهند چون اکثرشان از نظر معافی و نظام وظیفه ، وضع درستی ندارند ، کم سن و سال هستند و از شهرستان آمده اند . بیشتر از کرمانشاه آمده اند و شب را هم در شهرک می خوابند . بدتر از همه اینست که این کارگران آگاهیه چندانیه هم ندارند و نمی دانند که اگر دورهم جمع شوند و باهم متحد شوند ، میتوانند در مقابل همه دوز و کلک های حسن جوشکار و سایر کله گنده های شهرک ، ایستادگی بکنند . مثلا چند وقت پیش که کارفرما به کارگران توهین کرده بود ، دونفر از کارگران

همانطور که میدانیم ، شهرک اکباتان در کنار میدان آزادی ( شهید سابق ) قرار دارد . در این شهرک که هزاران خانه آپار - تمائی در دست ساختمان است ، قسمتی از کارها به بخش خصوصی و پیمانکاران سپرده شده و این پیمانکاران ، طرف قرار داد شهرک هستند . از طرف دیگر ، کارگران شهرک هم بوسیله این پیمانکاران استخدام شده و فقط با پیمانکار قرار داد دارند و در نتیجه از طرف شهرک رسمی نیستند . راجع به دوز و کلک های این پیمانکارها ، داستانها میتوان گفت ، که هرچه بگوئیم باز هم کم گفته ایم . از همین جهت ما در اینجا بشرح فقط یکی از این دوز و کلک ها می پردازیم :

یکی از این پیمانکارها ، " حسن جوشکار " هست که قراردادی با شهرک دارد و کارهای جوشکاری و نرده کشی و نصب آسانسورهای فاز دوم شهرک را انجام میدهد . صد و پنجاه کارگر در استخدام " حسن جوشکار " هستند . راجع به ثروت حسن جوشکار که همگی از راه بهره کشی کارگران بدست آمده ، همین بس که میگوید ۴۰ دستگاه موتور جوش دیزل دارد که هر کدام را روزی ۸۰۰ تومان به شرکت اجاره داده است و روی هر موتور هم دو کارگر کار میکنند . اما غیر از این ، از راه دزدی و حقه - بازی هم مقدار زیادی پول به جیب میزند . مثلا حق بیمه را از کارگران کسر میکند اما عملا کارگران هیچکدام بیمه نیستند . از طرف دیگر ، این پیمانکاران لیستی دارند که تمام خرج هائی را که در عرض یکماه کرده اند در آن مینویسند و آخر هر ماه به دفتر شرکت طرف قرار داد میدهند . اما این پیمانکارها ،



که : " باید متفرق شوید ! " کارگران اعتراض میکنند که : " ما چند ماه است حقوق نگرفته ایم و این حسن جوشکار هم فراری بود . حالا بعد از اینهمه مدت ، امروز قرار است حقوق مان را بدهد . ما تا حقوق مان را نگیریم از اینجا نمیرویم " افراد مسلح کمیته که می بینند کارگران به هیچوجه حاضر نیستند از حق خودشان بگذرند ، دست به تیراندازی هوائی میزنند ، در اثر تیراندازی شیشه های اطاق شکسته و تعدادی از کارگران زخمی میشوند . این



به او اعتراض میکنند اما کارفرما در جا، هر دو را اخراج میکند ، بقیه کارگران هم جیکشان در نمی آید . در حالی که اگر با هم متحد بودند هم کارفرما را ادب کرده و نمی گذاشتند که دیگر بکارگران توهین کند و هم جلوی اخراج آن دو کارگر را میگرفتند .

خلاصه ، کارگران سه ماه حقوق از حسن جوشکار طلب دارند . آنها از او اوائـل فروردین ، دنبال او میگشتند تا حقوق عقب مانده شان را بگیرند اما پیدایش نمیگردند ، تا اینکه ده پانزده روز بعد بصرکت آمده بود ، و در مقابل فشار کارگران ، قرار میشود روز ۲۵ فروردین ، کارگران به محل حسابداری بروند و حقوق عقب افتاده خود را بگیرند .

روز شنبه کارگران در حسابداری جمع میشوند . اما حسابدار که با حسن جوشکار زدوبند دارد از دادن حقوق کارگران خودداری میکند و میگوید که حسن جوشکار بمن فقط صد هزار تومان داده و ما هم نمیتوانیم این مقدار را به شما بدهیم . کارگران به حسابدار اعتراض میکنند که : " سه ماه است حقوق ما را نداده اید و قرار است امروز بدهید . ما دیگر نمی توانیم زندگی مان را بگذرانیم ... زن و بچه مان گرسنه هستند . "

**"حسن جوشکار" از راه خوردن حق کارگران وزدوبند  
با مدیران شرکت ، کلی ثروت به جیب زده است .**

یکی از کارگران میگفت : " ۶۰ - ۵۰ نفرمان را که اخراج کرده ای از کجا معلوم که فردا همه ما صد نفر را اخراج نکنی ؟ " خلاصه ، کارگران حسابی حسابدار حقه باز را زیر فشار میگذارند و دست از سرش بر نمیدارند . در این موقع ناگهان افراد کمیته سرمیرسند و بکارگران اخطار میکنند





عمل ما مورین کمیته بشدت موجب خشم کارگران میشود. اما از آنجا که هیچ سازماندهی ای نداشتند و نماینده ای هم انتخاب نکرده بودند، کاری از پیش نبردند. کارگران می گفتند: " حتما این کمیته ای ها هم طرفدار پیمانکار و شرکت هستند که به ما تیراندازی میکنند، جمع ما را بهم میزنند و نمیگذارند حقوق ما را بگیریم."

## اتحاد داشتن کارگران، راه رابرامی زور گویی و حق کشی حسن جو شکار باقی گذاشت

آری رفقای کارگر! این نمونه ای است از صدها نمونه دیگری که هر روز همه ما شاهدیم و می بینیم که چگونه کارفرمایان از پراکندگی و نا آگاهی کارگران استفاده کرده و حق و حقوق آنها را بالامی کشند. تنها راه، اتحاد است و اتحاد. تنها راه، ایجاد تشکیلاتی کارگری است تا کارگران در پناه آن تشکیلات، بتوانند با نیروی متحد و یکپارچه، به مبارزه در جهت بدست آوردن حق و حقوق خود پرداخته و پوزة کشف کارفرمایان و سرمایه داران را به خاک بمالند.



### در قانون کار آینده :

## جریمه و اخراج ممنوع!

آیا کارگری که جز نیروی کارش، سرمایه ای ندارد و کار میکند تا مخارج خود و خانواده اش را تامین کند و سعی میکند همیشه سر کارش حاضر باشد تا محتاج کسی نگردد، اگر برایش گرفتاری و مشکلی پیش آمد، فرزندش و یا زنش بیمار شد و ... که مجبور شد غیبت کند، آیا باید جریمه شود؟

آیا اگر کارگری در هنگام کار، بواسطه درد ها و ناراحتی های زندگی نتوانست کاملا در کارش دقت کند و محصولی خراب شد، باید جریمه شود؟ آیا اگر کارگری بواسطه ظلمها و حق کشیهای کارفرما در کارخانه اعتراض کرد و یا دیگران را - باعتصاب دعوت کرد، باید اخراج شود؟

آیا اگر کارگری زیر بار زور سرپرست ها و فورمن ها نرفت باید اخراج گردد؟ و هزاران آيائی دیگر ...

پس اینهمه مبارزه که کردیم، اینهمه شهید که دادیم، اینهمه سختی که کشیدیم برای چه بود؟

آیا غیر از این بود که برای بر طرف کردن ناراحتیها و سختیهای زندگی مبارزه کردیم؟ آیا غیر از این بود که برای اینکه زیر بار زور نرویم، شهید دادیم؟ اما حالا باید چه کنیم؟

باید در کارخانه ها مان، هرگونه زور و ظلمی را قدغن کنیم. باید در قانون کار آینده جریمه کردن و اخراج کارگران را توسط کارفرمایان ممنوع کنیم.

پیروز باد مبارزات حق طلبانه تمامی کارگران



# تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران (۲)

خلاصه ای از شماره قبل

در شماره قبل گفتیم که " کم شدن ارزش پول " یا " اضافه شدن پول در دست مردم " بدون اینکه بر مقدار کالای مورد نیاز مردم در بازار افزوده شود و این پول اضافی بتواند مشکل مردم را حل کند ، یعنی مردم بدلیل پائین بودن ارزش پول نتوانند احتیاجات خود را خریداری کنند ، تورم بوجود می آید همچنین گفتیم که در اثر رواج سرمایه داری در جامعه و مشکلاتی که دولتهای سرمایه داری بخاطر هرج و مرج در تولید و سودپرستی سرمایه داران با آن روبرو هستند ، دیگر پول اسکناس قابل تبدیل به طلا نبوده و ارزش آن بسیار کمتر از ارزش طلای معادل میباشد . مثلا اگر در شرایطی که پول مستقیما قابل تبدیل به طلا بود ۱۰۰ تومان پول میدادیم و به اندازه ۱۰۰ تومان طلا میگرفتیم ، حالا وقتی ۱۰۰ تومان پول میدهیم ، مثلا به اندازه ۵۰ تومان یا کمتر طلا دریافت میکنیم .

این کم شدن ارزش پول در مقابل طلا به این دلیل است که مثلا در خزانه دولت ۱۰۰۰ تومان طلا است ولی دولت ۲۰۰۰ تومان اسکناس چاپ میکند . در نتیجه هر یک تومان طلا برابر با دو تومان اسکناس میشود .

و اینک دنباله مطلب :

پس ارزش کل کالاهای موجود در بازار ۵۰ تومان میشود . برای اینکه ما بتوانیم این کالاهای را مبادله و خرید و فروش کنیم ، مقدار معینی پول که معادل همان ارزش کالاهاست ، احتیاج داریم . که بتوانیم آنرا با کالاهای مبادله کنیم . علاوه بر این دومورد ، ما باید مسئله دیگریم روبرو هستیم و آن اینکه ، پولی که در بازار هست با چه سرعتی در دست مردم گردش میکند و یا چند بار دست به دست میشود . این سرعت دست به دست شدن پول عامل مهمی است

در شرایطی که پول قابل تبدیل به طلا نیست در رابطه با تورم ، پول نقش بسیار مهمی را ایفا می کند ، این نقش پول بستگی دارد به کم و زیاد شدن پول و کالای بازار ، و کاری که دولتهای سرمایه داری برای رفع آن می کنند . در بازار همیشه مقدار معینی کالای ارزش معینی وجود دارد که اسم آنرا " ارزش کل کالاهای " می نامیم . مثلا فرض کنیم مقداری گوشت نان ، قند و لوباس در بازار هست که ارزش آنها رو به هم رفته ، ۵۰ تومان میشود .



## سودپرستی و دفع شخصی سرمایه داران همیشه باعث تورم و کساد می شود.

در همان مثال بالا اگر آقای نانوا با ۱۰ تومانی که از آقای قصاب گرفته، برود و قند و چای بخرد، در بازار کلاً ۱۰ تومانی معامله شده است ولی باز هم میبینیم که همان ۱۰ تومانی چرخیده و کافی است. بنابراین باید گفت که یک مقدار پول در بازار هر چند دست که بچرخد و با اصطلاح "سرعت گردش" داشته باشد به همان نسبت میتواند معامله راه بیاندازد و با اصطلاح بهمان مقدار میتواند کالا مبادله کند. بعبارت دیگر اگر ما بخواهیم مقدار طبیعی پول لازم را در بازار تعیین کنیم اول می آئیم ارزش کل کالاها را تعیین می کنیم و بعد حساب میکنیم که گردش پول در بازار چقدر است، و ارزش کل کالاها را به این سرعت گردش تقسیم میکنیم باین ترتیب مقدار پول طبیعی که در بازار باید باشد به دست میآید.

مثلاً "کل ارزش کالاها" در بازار ۵۰ تومان است و سرعت پول دو بار می باشد میگوئیم بازار به ۲۵ (  $\frac{50}{2}$  ) تومان پول احتیاج دارد. اگر دیدیم که نه سرعت پول مثلاً ۵ است میگوئیم که بازار به ۱۰ (  $\frac{50}{5}$  ) تومان پول احتیاج دارد.

تعیین کردن مقدار پول لازم در بازار خیلی مهم است اگر پول از مقدار لازم زیادتر باشد

در تعیین مقدار پول لازم در بازار. مثلاً اگر فرضاً ما تنها خریدار در بازار باشیم نیاز به ۵۰ تومان پول داریم تا این کالاها را خریداری کنیم. اما میدانیم که در بازار تنها یک خریدار و یک فروشنده وجود ندارد بلکه خریدارها و فروشندگان بسیارند، همینطور بازار هم میدانیم که هر فروشنده ای خوب خریدار است و هر خریداری که کالائی را میخرد، همان کالای کالاهائی دیگر را میفروشد. خوب باید دید کالایک چنین وضعی چه چیزی بوجود می آورد؟ برای روشن شدن منظورمان مثالی میآوریم: فرض کنیم که ما میخواهیم ۱۰ تومان گوشت بخریم اگر قصابی که میخواهد گوشت بماند و فروشد تنها فروشنده باشد و کسی باشد که خودش خریدی نمی کند ما بایستی ۱۰ تومان پول داشته باشیم. یعنی در کل بازار باید ۱۰ تومان پول موجود باشد تا این کار خرید و فروش گوشت عملی شود. اما اگر در نظر بگیریم همین آقای قصاب با ۱۰ تومانی که از ما میگیرد خودش ۱۰ تومان نان میخرد. دیگر در بازار احتیاجی نیست که ۱۰ تومان دیگر وارد شود. و پول موجود در بازار ۱۰ تومان شود. چرا که ما با همان ۱۰ تومان از قصاب گوشت میخریم و او هم با همان ۱۰ تومانی که از ما میگیرد نان میخرد. بنابراین میبینیم درست است که در بازار ۱۰ تومان کالا رد و بدل شده ولی چون پول دوست میگردد پس به همان نسبت به پول کمتری در بازار احتیاج داریم.



## هرج و مرج در تولید عامل هستی در ایجاد تورم و کساد می باشد .

هرجنسی تولید می شود . در چنین وضعی کنترل پول هم دیگر ساده است . و به همین علت از تورم و کساد دیگر خبری نیست .

اما دولتهای سرمایه داری هم چون پاسدار نظام سرمایه داری هستند نمی توانند نسبت به تورم و کساد بی تفاوت باقی بمانند . و برای درمان آن راه حل های دارند . اما این راه حلها بسیار موقتی است و تنها درد را تسکین میدهد . و پس از مدتی بلافاصله درد تورم یا کساد بدتر از گذشته ظاهر می شود .

اگر کارگران عزیز دقت کرده باشند گاهی نرخ بهره وام بانکی را با الیپتین میبرند . یا نرخ پس انداز را بعضی وقتها با لامیبرند و بعضی وقتها پائین میبرند . بدین ترتیب که وقتی دولتهای سرمایه داری مشاهده کنند که نرخ تورم بالاست و روز بروز قیمت کالاها بالا می رود ، دست به یک راه حل موقتی میزنند آنها پیش خود حساب میکنند پول در بازار زیاد شده بنا بر این بایستی آنرا از دست و بال مردم گردنبری این کار کارهای مختلفی میکنند

● اول : بانکها وامی را که بمردم میدهند ، هم مقدارش را کم میکنند و هم نرخ بهره اش را بالامیبرند تا مردم کمتر از بانکها وام بگیرند و کمتر پول وارد بازار شود .

قیمت کالاها بالا می رود ، و تورم ایجاد می شود . مثلاً دیدیم که همیشه شب عیدی کارگران می شود چون یکبار پول زیاد وارد بازار می شود و خریدار زیاد می شود و قیمت کالاها خود بالا می رود و برعکس اگر پول لازم در بازار کم باشد با اصطلاح میگویند بازار کساد است زیرا کسه مشتری کم می شود و خود بخود قیمت کالاها پائین تر می آید .

## تفیع شخصی سرمایه داران در نظام سرمایه داری باعث هرج و مرج در تولید می شود .

در رژیم سرمایه داری چون تولید کالا از روی نقشه و حسابی نیست سرمایه داران جدا از هم فقط دنبال سود شخصی هستند آنها هر روز که ببینند وضع یک کالا بهتر است زود دنبال تولید آن میروند . و هر وقت که ببینند کالای خودشان خوب فروش می رود و احتکار ایجاد میکنند و با این کارها ایشان هرج و مرج زیادی در امر تولید بوجود می آورند بنا بر این در چنین وضعی همیشه تورم و کساد وجود دارد . و تنها راه حل قطعی این کارها داشتن اقتصاد با نقشه و برنامه است که فقط در یک سیستم سوسیالیستی قابل پیاده کردن است . در این سیستم چون کالا نه برای سودجویی یک نفر سرمایه دار بلکه برای رفع احتیاج انسانها تولید می شود ، بنا بر این حساب همه چیز را میکنند و بنا بر آن حساب ، نیازها مشخص می شود و بهمان مقدار هم از



مسئله زحمتکشان تعیین نمی کند. بلکه این کالا و پول است که انسانها را تابع خود میکند. آنها را به هر طرف که خواست میکشاند. و از این راه جیب سرمایه دارها را پر میکند.

**راه حل دولت سرمایه داری برای تسکین تورم مثل  
ملکی است که روی زخم کارگران و زحمتکشان می‌پاشند.**

در شماره آینده ما درباره یکی دیگر از علل تورم، که همان وابستگی اقتصاد کشور ما به کشورهای امپریالیستی و بخصوص آمریکا است گفتگو خواهیم کرد. ■



دوم: نرخ بهرهٔ پس انداز را بالا میبرند تا مردم تشویق به پس انداز کردن بشوند و پول بیشتری به بانکها بسپارند و بدین ترتیب پول از بازار جمع شود.

سوم: از افزایش حقوق کارگران و کارمندان جلوگیری میکنند و دلیلشان هم این است که پول زیاد وارد بازار میشود و قیمتها را بالا میرد. ....

**در نظام سرمایه داری کالا پول است که  
انسانها را تابع خود میکند.**

اگر به این راه حلهادت کرده باشید متوجه میشوید آنچه که برای يك دولت سرمایه داری مطرح نیست، احتیاج مردم و بخصوص زحمتکشان است. و راه حل آنها مثل ملکی است که بر روی زخم کارگران و زحمتکشان می‌پاشند. آنها کاری ندارند که کارگر وام را برای ساختن خانه میخواهد، پس نرخ وام را بالا میبرند و مقدارش را هم کم میکنند. آنها کاری ندارند که دادن بهره زیاد به پس انداز پولدارها و سرمایه داران به ضرر زحمتکشان است. آنها کاری ندارند که قیمتها بالا رفته و کارگر و کارمندان احتیاج به پول بیشتر و مزد بیشتر دارند. پس مزنها را بالا نمی برند. ... دلیلش هم این است که در نظام سرمایه داری رابطه انسانی و مسئله زحمتکشان مطرح نیست و سیاستهای اقتصادی را



## وقتی که وزارت کار، کارگران "شرکت آرمه" را سر می دواند .

افتاده " کارگران خودداری می کند ، دستگیر کرده و تحویل کمیته می دهند اما بلا فاصله آزاد شد . بگفته یکی از کارگزاران "ملك زاده" تاکنون میلیونها تومان ارز از کشور خارج کرده است . کارگران ، چندین بار هم او را به وزارت کار برده اند ، ولی کارفرما گفته است پول ندارد و باید طلب کارگران را وزارت کار بپردازد . کارگران اگر چه می-دانستند که باید طلب خود را از کارفرما بگیرند ، بخصوص که پول به اندازه کافی هم دارد ، اما از آنجا که وزارت کار قبول کرده بود طلب کارگران را خود بپردازد ، از همین جهت ، کارگران فشار چندانی بر روی "ملك-زاده" نمی آوردند .

کارگران از میان خود ، ۲ نفر نماینده هم انتخاب کرده اند تا با وزارت کار مذاکره کنند ، اما از این نمایندگان راضی نیستند چنانکه در راهپیمایی و اجتماع روز ۲۷ فرور-دین هیچکدام از این نماینده ها شرکت نداشتند . بعلاوه در مبارزه برای بدست آوردن حقوق کارگران ، چندان فعال هم نیستند .

یکی از کارگران ، که این جریانها شدت عصبانیش کرده بود میگفت : "مقصر وزارت کار است . اگر وزارت کار امضاء کند که مسئله به او مربوط نیست و کارگران و کارفرما باید خودشان آنرا حل کنند ، ما راحت میشویم . تنها مزاحم ما ، این وسط ، وزارت کار هست وگرنه خودمان حقمان را از کارفرما میگیریم . ولی وزارت کار از امضاء خودداری میکند و وقتی خودمان میخواهیم اقدام کنیم ، فوراً افراد مسلح کمیته را به سراغمان می-

در روز ۱۰ اردیبهشت ، کارگران شرکت "بتون آرمه" ، بعنوان اعتراض به بی اعتنائی وزارت کار به خواسته هایشان از محل شرکت واقع در خیابان وصال شیرازی تا وزارت کار دست به راهپیمایی زدند . کارگران این شرکت روز ۲۷ فروردین هم یک چنین راهپیمایی کرده بودند که تعدادشان در آن راهپیمایی به ۲۰۰ نفر میرسید . کارگران بتون آرمه ، از مدت ها پیش برای بدست آوردن حق و حقوق خودشان و رسیدگی به وضع کارگران اخراجی و بیکار این شرکت ، از راهها مختلف مبارزه کرده اند . این کارگران ، از چهار ماه پیش اخراج شده اند . قبل از عید کارفرما به تعداد کمی از کارگران (حدود ۶۵ نفر) نفی ۱۰۰۰ تومان پرداخت تا آنها را راضی کرده و در میانشان تفرقه اندازد . در کلیه کارگاههای این شرکت ، بیشتر از ۵۰۰۰ کارگر ساختمانی مشغول کار بوده اند که اکثر آنها بتدریج اخراج شده و تعداد بسیار کمی باقی مانده اند .



در اشرف و آمدهای مکرر کارگران به وزارت کار ، این اداره قول داده بود روز دهم اردیبهشت ، حقوق چهارماه عقب افتاده کارگران را بپردازد . اما ، در این روز پس از مراجعه کارگران به وزارت کار ، نماینده وزارت کار جواب می دهد که : "بما مربوط نیست" ! و بدین ترتیب باز هم مانند دفعات قبل ، کارگران را سر می دوانند .



بیکار کارگران ، کارفرمای شرکت ، یعنی "ملك زاده" را که از دادن حقوق عقب



میلیونها بیکار دیگر سرزمین مان، بشدت خراب است. یکی از آنها دفترچه بیمه اش را بیرون آورده و میگفت: "با این دفترچه جکار میتونم بکنم؟ وقتی میرم بیمه، بمن میگن باید بری تهرون، همونجائی که این دفتررو گرفتی. من که نمی تونم از کرمانشاه چندین ساعت ماشین بنشینم و پیام تهران. معلوم نیست که این پولی هم که بابت حق بیمه به کارفرما پرداخته ایم، کجا رفته است و اصلا آیا کارفرما این پول را به بیمه های اجتماعی پرداخته یا نه؟ اگر پرداخته پس چرا وقتی میرم بیمه، دفترچه ما را پرت میکنند بیرون و میگن هیچ ارزشی نداره و اگر نپرداخته، پس این کارفرما حق ما را زردیده و باید محاکمه و زندانی شود."

لازم به توضیح است که این شرکت کارهای پیمانی از قبیل آسفالت جاده ها و خیابانها و غیره را انجام میدهد. در تهران چند شعبه در ونک، بهشت زهرا، شهرک اکباتان و... دارد و در شهرهای کرمان، قزوین و رفسنجان، کرمانشاه و... هم شعبه دارد.

## بی پولی چند ماهه اخیر و گرانی های سرسام آور، امان کارگران را بریده است.

کارگران بشدت عصبانی و ناراحت هستند و واقعا "مایلند که حقوق خود را بهر قیمتی شده از کارفرما بگیرند. بی پولی چند ماهه اخیر و گرانی های سرسام آور هم، امان آنها را بریده است. اما متأسفانه اتحاد و وحدت لازم را در میان خود ندارند. دوستان کارگر "پارک پرنس" نیز که شرکتشان در همان

فرستند." (منظور این رفیق کارگزار از فرستادن ما موران کمیته، جریان اجتماع آنها در ۱۸ فروردین در مقابل دفتر شرکت بود، که ما موران کمیته رفتار بسیار بد و زنده ای با کارگران داشته بودند.)

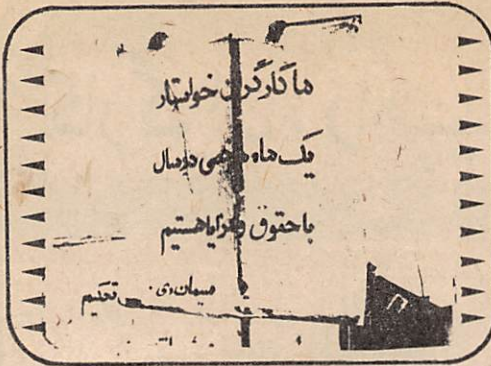
## وزارت کار، نه خود حق کارگران را از کارفرما بگیرد دنه میکند ارد که کارگران حق خود را از کارفرما بگیرند!

به این ترتیب یکی از مشکلات کارگران در این میان، وزارت کار هست. از قرار معلوم کارفرما با یکی از مسئولین وزارت کار سابقه آشنائی دارد و به همین دلیل، مسئولین وزارت کار، همیشه جوابهای جورواجوری به کارگران داده و آنها را سر میزد و مانند یک روز میگویند: "دولت پول شمارا میدهد." و روز دیگر میگویند: "بما مربوط نیست و کارفرما باید بدهد." بدین ترتیب کارگران مانده اند که حقوق خود را باید از وزارت کار بگیرند یا کارفرما.

یکی از کارگران شرکت میگفت: "آمدن به وزارت کار فایده ندارد. باید متحد بشیم. کارگران شرکت ما، متحد و یکدست نیستند و بهمین دلیل هم نتوانسته ایم حق مان را بگیریم. ما باید سعی کنیم دفتر مرکزی شرکت را که تمام اسناد و مدارک شرکت، اونجا هست تصرف کنیم و به این وسیله کارفرما را وادار کنیم تا حقوق ما را پرداخت کند و ما را بسرکار برگرداند. کارفرما از ترس ما، در ورودی شرکت را قفل کرده و زنجیر زده تا ما وارد آنجا نشویم. ما باید قفل آنجا را بشکنیم و به داخلش برویم." وضع مالی کارگران این شرکت هم، مانند

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر





نزد یکیهای شرکت آرمه قرار دارد، متأسفانه بکمک رفقای کارگیشان نرفته‌اند. با توجه به اینکه همه کارگران همیشه به یک اندازه از طرف سرمایه داران استثمار میشوند و حقشان خورده میشود، در مقابل سرمایه داران هم همیشه باید صف واحدی را تشکیل بدهند و در مواقع لزوم به یاری یکدیگر بشتابند.

## درخواستهای کارگران محازن سوخت و آب الکتریکی فزنی ماشین آلات صنعتی نمونه کار

ما کارگران که از تاریخ ۵۷/۹/۱۸ از طرف پیمانکار آقای فریدون مهدیانی بدون هیچ دلیلی آواره شده‌ایم برای احقاق حق خود، در دفتر شرکت نمونه کار که متعلق به این شخص میباشد از تاریخ ۵۸/۲/۴ دست به تحصن می زنیم و تارسیدن به حقوق حقه خود به تحصن ادامه میدهم، ضمناً باین وسیله همبستگی خود را با تمام کارگران بیکار اعلام و حمایت کارگران بیکار و عموم ملت ایران را خواهانیم.

قبلاً بگوئیم که:

- ۱- با خواباندن کار ۵ ماه تمام کارگران را آواره کرده است و با وعده و وعیدکار و حقوق کارگران را به عقب انداخته و به آن رسیدگی نکرده است.
  - ۲- کارفرما بر خلاف قانون کار روزانه ۹ ساعت کار میکشد که اضافه کاریهای یکساعت را هیچوقت پرداخت نکرده و ضمناً یکروز اضافه کاری را بجای ۶ ساعت حساب میکرد.
  - ۳- حق اخراج و مزایا تا آذرماه پرداخت نشده است.
  - ۴- با وجود اینکه از کارگران حق بیمه کسر شده است اما اغلب کارگران دفترچه بیمه ندارند.
  - ۵- بهداشت کار و وسائل ایمنی بهیچوجه وجود ندارد.
  - ۶- تا بحال هیچ موقع به ما کارگران حق مسکن، مرخصی حق اولاد، عیدی تعلق نگرفته و تصفیه حسابها پرداخت نشده است.
- ما خواهان بازگشت به سرکار و پرداخت کلیه بدهیها و حقوق و مزایای در سال قید شده هستیم.
- ما خواهان رسیدگی به وضع فریدون مهدیانی کارفرما که در زمان طاغوت به کارگرانی که معترض بودند تهدید معرفی به سازمان امنیت را میکرد هستیم.

" کارگران شرکت نمونه کار "



# کارگران، راهپیمائی ۵۰۰ هزار نفری



از ساعت ۷ صبح روز ۱۱ اردیبهشت، روز کارگر، کارگران کارخانجات مختلف تهران و گروههای مختلف سیاسی و هواداران آنها و همچنین صدها هزار نفر از آزادیخواهان و مردم طرفدار طبقه کارگر، بتدریج در خیابان ابوریحان جمع می شدند. از ساعت ۹/۵، جمعیت حاضر در خیابان، بصورت صفوف منظمی در آمده و راهپیمائی باشکوه روزگاران گر، آغاز میشود. در اول صف، هزاران کارگر بیکار در حرکت بودند و پشت سر آنها هزاران کارگر کارخانجات مختلف همسراه با پلاکاردهائی که در آنها با تمامی کارگران ایران و جهان اعلام همبستگی کرده بودند قرار گرفتند. در این پلاکاردها، کارگران خواستهای خود را نیز مطرح کرده بودند در صفوف بعدی جمعیت، طرفداران کارگران و سایر آزادیخواهان در حرکت بودند.

مسیر حرکت خیابان ابوریحان، خیابان جمهوری (شاه سابق)، خیابان فردوسی و انتهای راهپیمائی، میدان فردوسی در نظر گرفته شده بود. ولی در تقاطع خیابانهای جمهوری و فردوسی، یکعده از عناصر هوجبگر و ضد کارگر که کارشان همیشه بهم زدن اجتماعات کارگران و آزادیخواهان است و زیر نام اسلام دست به هر عمل ضد انقلابی و ضد خلقی ای میزنند، راه را بر کارگران بستند. کارگران نیز برای جلوگیری از هرگونه درگیری، مسیر خود را عوض کرده و بجای اینکه بسمت بالا حرکت کنند، بطرف جنوب و بسمت میدان توپخانه راه خود

را ادامه دادند.

اما اولگردان و ضدکارگرانی که تا اینجا نقشه شان برای شلوغ کردن و ایجاد درگیری و زدو خورد شکست خورده بود، دست برنداشته و خود را به نزدیکیهای توپخانه رسانده و نرسیده به میدان، مقابل صفوف کارگران روی زمین نشسته و مانع از ادامه راهپیمائی شدند. این افراد تنها به این مسخره نازی



# روز کارگر را رهبری کردند.

کشان اتحاد " را می دادند یا میگفتند :  
" کارگر ، پیروز است ، تفرقه نابود است"  
همبستگی و وحدتی که در میان صدها هزار  
راهیما دیده میشد ، برآستی حیرت انگیز  
بود . این وحدت و همبستگی وقتی با

خونسردی و متانت همراه میشد ، حسادت  
ولگردان و عناصر ماجراجو را بزمنی انگیخت  
و آنها را وحشی تر میکرد .  
ده ها خبرنگار و عکاس و فیلمبردار

داخلی و خارجی در طول راهیمائی مشغول  
عکس برداری و فیلم برداری و تهیه گزارش  
از این راهیمائی عظیم بودند .  
هزاران نفر از مردمی که در پیاده -  
روی طول مسیر ایستاده بودند با حیرت به  
این حرکت عظیم کارگری می نگریستند . برای  
آنان عجیب بود که هزاران کارگر در یک  
چنین راهیمائی عظیمی گرد آمده و مهمتر  
از آن رهبری و گردانندگی آن را بر عهده  
دارند .

صدها نفر از مردم از بالکن خانه -  
هایشان برای راهیمایان ابراز احساسات  
میکردند و صدها کارگر کارگاه های مختلف  
خیاطی و کفاشی و ... که در طبقات مختلف  
ساختمانهای طول مسیر قرار داشت ، برای  
کارگران راهیما ، دست تکان داده و سوت  
می کشیدند .

در خیابان فردوسی تعداد زیادی از  
کارمندان بانک ملی در مقابل بانک به شدت  
با جمعیت ابراز همبستگی کرده و همراه با  
شعار جمعیت می گفتند : " تمام صنایع

اکتفا نکرده و وقاحت و بیشرمی را تا به  
آنجا رساندند که در پیاده روهای که مردم  
به تماشای راهیمائی ایستاده بودند ، مرتب  
سمپاشی کرده و در حالی که کارگران و طرفه  
داران آنها را به مردم نشان میدادند ،  
آنها را ساواکی و ضدانقلابی معرفی میکردند  
نظم و انضباط راهیمائی تمام مادر دست  
کارگران بود و در حالی که دهها کارگر بازو -  
بندهائی به بازوهایشان بسته بودند ، در  
تمام صفوف نظم راهیمائی را حفظ میکردند .  
بعلاوه رهبری و گردانندگی راهیمائی -  
نیز در دست کارگران بود .

کارگران وقتی در نزدیکی توپخانه -  
دوباره با افراد ولگرد و ضدکارگر روبرو  
شدند و مشاهده کردند که این افراد دنبال  
بهانه میگردند تا کار را به زدو خورد بکشانند ،  
با توجه به اینکه بیشتر مسیر را آمده و دیگر  
به آخر رسیده بودند ، تصمیم گرفتند در  
همانجا قطعنامه پایان راهیمائی را خوانده  
و متفرق شوند .

تعداد تظاهرکنندگان نزدیک به پانصد -  
هزار نفر بود و کارگران شرکت کننده بیشتر از  
۱۵ هزار نفر میشدند که از بیشتر از ۳۰ کار  
خانه شرکت کرده بودند .

راهیمایان تحت رهبری کارگران ، با  
مسائل مختلف ، کاملاً حساب شده و بیورانه  
برخورد میکردند . مثلاً زمانی که ولگردها  
قصد برهم زدن جمعیت را داشتند راهیمایان  
به هیچوجه از کوره در نرفته و با  
خونسردی شعار " اتحاد ، اتحاد ، زحمت -



● نکته قابل ملاحظه این است که اگرچه افراد ولگرد و ضدکارگر عکسهای امام خمینی را در دست داشتند و مرتبدم از اسلام می زدند، اما از آنجا که عمل آنها ضدانقلابی و ارتجاعی بود، حتی بسیاری زدانجویان و روشنفکران و مردمی که مذهبی بودند، کارتهای این افراد را محکوم میکردند و اعلام مینمودند که "این عناصر فقط اسمی از مذهب بر روی خودشان گذاشته اند و از آن بعنوان ماسکی برای حرکات و نظرات ارتجاعی-عشوائی استفاده میکنند".

● در طول راهپیمائی در چندین نقطه مردمی که در پیاده روها بودند با پاشیدن نقل و انداختن گلپهای میخک صورتی بر روی جمعیت و دادن شیرینی، همبستگی خود را با راهپیمایان اول ماه مه، ابراز میداشتند.



وابسته، به انضمام بانکها، ملی بایسد گردد!

برخی از شعارهایی که داده میشد و یا روی پلاکاردها نوشته شده بود، از این قرار است:

"مرگ بر آمریکا، دشمن خلقهای جهان"  
 کارگر می سازد، رنج میبرد، کار...  
 فرما می خواهد، گنج میبرد"  
 "قانون کار قبلی باید لغو شود و قانون کار جدیدی با نظارت نمایندگان واقعی کارگران، تدوین گردد."  
 "مبارزات کارگران بیکار، از مبارزات کارگران شاغل (مشغول بکار) جدا نیست."

"حق تساوی دستمزد برای کارگران زن و مرد، در برابر کارمساوی"  
 "یک زندگی بهتر، این است شعار کارگر"  
 "کارگر زحمتکش، علیه هر نوع سازش، فریاد خود را برکش"

## کمیته پیمائی از راهپیمائی روز کارگر

- نظمی که بر جمعیت تظاهرکننده حاکم بود، بی نظیر بود. بعنوان نمونه شعارها فقط بوسیله کارگران از داخل چند دستگانه مینی بوس داده میشد و هیچکس دیگر، شعاری غیر از این شعارها نمی داد.
- وقتی طول صفوف راهپیمایان را در نظر گرفتیم حدود ۲ کیلومتر میشد و تمام عرض خیابان از جمعیت پر شده بود.
- تقریباً در تمام طول صف راهپیمایان، برای جلوگیری از حمله افراد ماجراجو و ولگرد حلقه زنجیری بدور صف بسته شده بود و در مواقعی که ولگردان در نقطه ای از صفوف راه پیمایان جمع میشدند، این حلقه های زنجیر به دوسه رشته میرسید.



## ● جشن اول ماه مه (روز کارگر)، در شهرستانها:

کارگر ! کارگر ! نابود کن ستمگر!  
استبداد نابود است ، ارتجاع محکوم است.  
کارگران آبادان بعد از ظهر همین روز  
را در محل سندیکای خود جشن گرفتند .

### مسجد سلیمان

کارگران در روز کارگر بدعوت "شورای  
کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان " جشنی  
بر گزار کردند که در طی آن چند تن از  
کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکیلات  
کارگری و وحدت کارگران سخنرانی کردند .  
کارگران همچنین از خواست کارگران پیمانی  
مینی بر " رسمی شدن تمامی کارگران پیمانی"  
پشتیبانی کردند . در همین شهر حدوده ۲۰۰۰  
نفر از کارگران بیکار و کارگران سایر  
شرکتها ، به راه پیمانی پرداختند . شعار -  
های کارگران عبارت بود از :

" اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد!  
کارگر ، کارگر ، سرمایه از روز ازل  
تبوده ، سرمایه دار حق تورا ربوده!  
" سرمایه وابسته ، ملی باید گردد!  
و ..... "

### تبریز

کارگران تبریز از طرف " کمیته بر -  
گزاری کارگری اسلامی جشن کارگر " دعوت  
شده بودند تا در باغ گلستان اجتماع کرده  
و روز کارگر را جشن بگیرند ، و از آنجا  
بسمت باغ شمال حرکت کنند .  
در همین روز از طرف روحانیت تبریز

کارگران شهرستانهای آبادان ، مسجد -  
سلیمان ، تبریز و اهواز ، در زیر بار  
حملات وحشیانه عناصر ارتجاعی و ضدکارگر،  
روز جهانی کارگر را جشن گرفتند و هم -  
با برادران کارگیشان در تهران و شهرستا -  
نهای دیگر ، صدای اعتراض خود را بر علیه  
ظلم و ستم سرمایه داری ، بر علیه امپریا -  
لیسم و ارتجاع داخلی بگوش کارگران جهان  
رساندند .

### آبادان

کارگران پروژه های آبادان در ساعت ۹  
صبح روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ، از محل  
سندیکای کارگران پروژه های تا استادیوم  
تختی راه پیمائی کردند .  
جمعیت انبوهی از دانشجویان ، دانش  
آموزان ، فرهنگیان و دیگر گروه های مردم ،  
کارگران را در این راه پیمائی ، همراهی  
میکردند . کارگران آبادانی بخاطر -  
داشت کارگران شهید ، بکده قیقه سکوت کردند  
و سپس برای اعلام همبستگی با اجتماعی که از  
طرف حزب جمهوری اسلامی در استادیوم تختی  
برگزار شده بود ، به این استادیوم رفتند .  
ولی از آنجا نیز با مزاحمت و تهدید عناصر  
ارتجاعی روبرو شدند . سخنران اجتماع - آقای  
هاشمی رفسنجانی - با حملات ارتجاعی خود  
کارگران را به باد تهمت گرفت . و رئیس  
حزب جمهوری اسلامی در آبادان - آقای  
موسوی - از خواندن قطعنامه کارگران جلو -  
گیری نمود .

کارگران در این راه پیمائی شعار میدادند :  
سندیکا صوتا الحریه (سندیکا صدای آزادی) است  
سمیل هر انقلاب ، کارگر قهرمان



# با تفرقه اندازیمای مدیر اجرایی "ارج" مبارزه کنیم!

رفقای کارگر!

اخیرا "فاطمی زاده" مدیر اجرایی کارخانه ارج، برای کارگران کارخانه سخنرانی کرده است. در این سخنرانی راجع به چند موضوع از جمله مدیران و مدیریت کارخانه و نقش آنها، خواسته های کارگران در مورد اضافه حقوق و سود ویژه و بالاخره شورا و تشکیلات کارگران صحبت شده است.

ما قبل از اینکه به بررسی مختصری از گفته های این مزدور کارفرما بپردازیم، لازم می بینیم که توضیح بدهیم چرا و بر چه زمینه ای "فاطمی زاده" این مسائل را مطرح میکند و بی شرمانه به کارگران مبارز و آگاه تهمت زده، نقش آنها را برعکس نشان میدهد. بر تمامی کارگران کارخانه بخوبی روشن است و از سخنان فاطمی زاده هم چیزی معلوم میشود که "فاطمی زاده" فقط و فقط میخواهد کارگران را فریب دهد و باز هم شرایط گذشته را که بر کارخانه حاکم بود، بوجود آورد. و از ثمره کار و زحمت کارگران - جیبهای خودشان و اربابان خارجیشان را پرکند. از تمامی حرفهای او یکی را نمیشود پیدا کرد که اندکی نفع کارگران در آن باشد.

## چرا فاطمی زاده از کارگران مبارز دل پر خون دارد؟

چندی قبل کارگران ارج تصمیم میگیرند که مدیر عامل مزدور کارخانه "مکی" و چند تن دیگر را اخراج کنند. این عمل که خواه نا خواه گریبان "فاطمی زاده" را هم میگرفت او را بوحشت انداخت و در مقابل اخراج

مدیران مقاومت کرد و برای چند روز بکارخانه نیامد تا در کار تولید اختلال کند. "فاطمی زاده" شرط بازگشتش را اخراج نکردن سایر مدیران کارخانه میگذارد، تا اینکه بالاخره به کارخانه میآید. اگر بخواهیم علت اصلی و اساسی این رفتار حیلہ گرانه "فاطمی زاده" مزدور را بررسی کنیم فقط بیک نتیجه میرسیم و آن این است که: اگر چه انقلاب ما توانست رژیم شاه را سرنگون کند و به پیکر امپریالیستها ضربه بزند، ولی از آنجا که دستاوردهای این انقلاب به دست نیروهای سازشکار و محافظه کار افتاد و این نیروها قدرت را در دست گرفتند، و در مقابل آن کارگران بدلیل نداشتن حزب سیاسی خود - یعنی حزب طبقه کارگر - نتوانستند رهبری انقلاب را بدست بگیرند و در قدرت سیاسی شرکت کنند. این فرصت باز بدست کارفرمایان و مزدوران مثل "فاطمی زاده" افتاد تا از موقعیت خودشان سوء استفاده کرده و مجددا زور کوبی به کارگران را شروع کنند. و یا بهتر بگوئیم آنها ادامه دهند "فاطمی زاده" و بقیه مدیران از ضعف کارخانه و کارگران یعنی نبودن مدیر تولید و باعث اختلال در تولید کارخانه و ادامه کار آن شدند. و این به دلیل این است که طبقه کارگر حزب سیاسی خودش را ندارد تا تحت رهبری حزب و شرکت تعیین کننده در قدرت سیاسی بتوانند این مزدوران را بیرون بریزد و در مقابل از عناصر و افراد متخصص مرفقی و انقلابی استفاده کند. متخصصین مرفقی ای که در کشور ما فراوان هستند و حتی تعداد زیادی از آنها حاضرند تا مدتی هم جانی کارکنند و این



## کارگران میخواهند حقوق از دست رفته شان را از حقوق کارفرمایان بکشند.

روزها می بینیم که در دادگستری و ۰۰۰ متحصن شده اند.

## کارگران میخواهند با اخراج مدیران مزدور استخدام مدیران لایق به وضع تولید سرو سامان بدهند.

حالا بپردازیم به سخنان "فاطمی زاده"، او میگوید:

"باید دید چه چیزی برای کارگران مهم است و نفع کارگر در چیست. آیا نفع کارگر در ۱ تومان عیدی و یا سود شب عید است یا در بقای (یعنی ادامه کار) کارخانه؟ اگر کارخانه بقائی نداشته باشد و تعطیل باشد و کساری وجود نداشته باشد مسلماً سودی هم وجود نخواهد داشت."

در پاسخ این حرف "فاطمی زاده"، ما سؤال میکنیم که اصلاً کارگر بخاطر چه چیزی حاضر میشود نیروی کارش را بفروشد، همه رقم توهین تحقیر و فشار را تحمل کند و بیه استفاده سرمایه داران خون آشامی که از دسترنج کارگران سودها و سرمایه های کلانی بچیب میزنند، درآید؟

مسلماً جواب این است که؛ زندگی کند، درآمدی داشته باشد و بتواند احتیاجات زندگی خود و خانواده اش را تامین کند. پس در شرایطی که گرانی زیاد اجناس کم و کارگر را زهر بار خرج زندگی خم کرده است، در شرایطی که در اثر مبارزات و جانفشانی های کارگران و اقشار مختلف مردم، کارگران دیگر حاضر نیستند که سرمایه داران هرچه دلشان خواست از حقوق آنها بچیب بزنند. نه تنها ۱۰۰ تومان عیدی و سود شب عید برای کارگران بسیار مهم است بلکه، مهمتر اینست که کارگران میخواهند حقوق از دست رفته شان را از حقوق کارفرمایان بکشند.

اگر آقای فاطمی زاده به این مسئله شک دارد، بهتر است یا در شبیاید که کارگران چگونه در روز ۲۶ اسفند ماه عملاً نشان دادند که سود شب عید و عیدی تا چه حد برایشان اهمیت دارد. چون کارگران امیدشان باین است که مشکلات زندگیشان را با همین حقوق اندک و عیدی و سود حل کنند.

ولی فاطمی زاده مزدور این خواست مهم کارگران را در مقابل بقاء یا ادامه کار کارخانه میگذارد و طوری وانمود میکند که یا این یا آن یا ۱۰۰ تومان سود و سود شب عید و یا ادامه کار کارخانه. ولی آیا واقعاً همین طور است؟ ادامه کار کارخانه برای کارگران بسیار مهم است. ولی نه از آن جهت که برای فاطمی زاده و کارفرما اهمیت دارد.

برای فاطمی زاده و کارفرما ادامه کار کارخانه از این جهت مهم است که، هرچه بیشتر از کارگران کار بکشند، حاصل دسترنج آنها را به جیب بزنند، و دست آخر مزد بخور و نمیری به آنها بدهند. ولی ادامه کار کارخانه برای کارگران، از این جهت مهم است که در آن، احتیاجات مردم را تولید میکنند، و از اینکده کشور ما تبدیل به مصرف کننده بنجل ها و کالا های خارجی بشود جلوگیری کنند.





از زورگویی و ستم کارفرما و مدیران است، کم کنند، ولی "فاطمی زاده" درباره این کارگران چه نظری می دهد؟ او از اسلحه‌های که اکنون آلت دست همه فرصت طلبان و کسانی است که می خواهند بهانه‌های برای سرکوب کارگران داشته باشند، استفاده می کند.

اگر رژیم قبلی افراد انقلابی و مبارز را بنام "اخلالگر" و "خرابکار" معرفی می کردند، و دیدیم که بعد از انقلاب چگونه روشن شد که این افراد از درستکارترین و فداکارترین انسانها بودند، حالا هم کارگران مبارز را "کمونیست" و -- اخلالگر معرفی میکنند تا از احساسات پاک‌مذهبی کارگران سوءاستفاده کنند. غافل از اینکه کارگران همه بچشم خود میبینند که چه کسانی از حرف‌ها و خواسته‌های آنها پشتیبانی میکنند همان خواسته هائیکه وقتی از زبان هر کارگری شنیده میشود بلافاصله انگ "اخلالگر" با وجسبانه میشود.

## اتحاد کارگران می تواند نقشه تفرقه اندازیهایی مدیران کارفرما را نقش بر آب کند.

بخوبی میبینیم که بخاطر آگاهی و اتحاد کارگران، این فریبکاری روز بروز اثر خودش را از دست میدهد. چون کارگران میبینند که خواسته یک کارگر مبارز و بقول آقای فاطمی زاده "کمونیست" درست همان چیزی است که خودش هم میخواهد و بارها و بارها در اعتصابات، تظاهرات صحبت‌های خانوادگی و ... آنها را بسزبان آورده است و این بهترین شاهدیست که میتواند نقشه تفرقه اندازانه "فاطمی زاده" را نقش بر آب کند و با اتحاد هرچه محکمتر مشت محکم بر دهان "فاطمی زاده" و مزد وراثش بزند، دیگر هیچ کارگری نیست که حتی اندکی در راه خواسته‌های حق طلبانه اش مبارزه کرده باشد و دست این مزدوران تفرقه افکن برایش روشن نشده باشد.

به همین جهت عمل درستی که کارگران درباره مدیران مزدور انجام دادند و تصمیم گرفتند آنها را اخراج کنند، نه تنها باعث تعطیل کارخانه نشده، کارگران را بیکار نمیکرد، بلکه کارگران با اخراج این مدیران مزدور و جنایتکار و استخدام مدیرانی که حاضرند بانظر کارگران کارکنند، با شرایط خیلی بهتری، باعث ادامه کار کارخانه میشدند. خیلی عجیب است که فاطمی زاده مزدور برای اینکه کارگران بیکار نشوند دلسوزی میکند، گویا یادش رفته است که وقتی به اتفاق سایر مدیران سرسپرده، شرکت را ترک کردند و بدستور اربابشان، به سرکار نیامدند، اصلا هدفشان این بود که کارخانه را بخوابانند و کارگران را بایکاری روبرو نمایند. او بفکر چیزی که نبوده، بیکاری ۵۰۰ کارگراست. ولی حالا با فریبکاری و حیل‌گری، بخاطر اینکه کارگران بیکار نشوند، دلسوزی میکند! مسلماً این دلسوزی برای کارگران نیست، بلکه برای خودش و کارفرماست، چون اگر کارگران موفق شوند، دامن خودش را هم میگیرد، به همین جهت این مزدور حق دارد که این چنین بکارگران مبارز تهمت بزند. او میگوید:

"عدای هستند که میخواهند کار را بخوابانند اینها برای اینکه کارخانه را ببندند و هدف دارند."

اول اینکه درین کارگران تبلیغات کمونیستی میکنند و میخواهند کارگران را چپ‌گرا کنند. دوم اینکه آنها در مرحله اول نوبت حمله‌شان را متوجه مدیریت و مدیران می‌کنند. چون وقتی مانع کار مدیران شدند تولید می‌خوابد! ما در بالا گفتیم که نه تنها کارگران و بخصوص کارگران مبارزی که فاطمی زاده "آنها را" "عدای" می‌نامد، مقصد خواباندن کارخانه را ندارند بلکه کارگران میخواهند تا به اخراج مدیران مزدوری سالیان سال خون کارگران را در شیشه کرده بودند و با استخدام مدیران لایق، هم به وضع کارخانه و تولید و ... سروسامان بدهند و هم تا حدی نابسامانی‌های کارگران را که ناشی



در مقابل هم نیستند بلکه در کنار هم هستند و مدیریت، عاملی است برای تأمین منافع کارفرما و واسطه‌ای است بین کارگر و کارفرما که راه‌های مختلف و با برنامه ریزی‌های ضد-کارگری، حاصل دسترنج کارگران را تقدیم-کارفرما میکند. مگر همین شما نبودید که سالهای سال تماشاگر و شریک زورگویی و ستم بی حد کارفرما نسبت به کارگران بودید و در حالیکه کارگران زحمتکش زیر بار ستم و ظلم سرمایه داران زالوصفت جانشان به لب میر-سید، قدم به قدم با کارفرما دست به سرکوب هرگونه صدای حق طلبانه‌ای میزدید؟ پس بیجهت نیست که این عامل کارفرما

این همه سنگ ادامه کار کارخانه را بسینه میزند، این همه دست و پا میزند تا سایر-شریکانش سر کار برگردند. تا با هم به بهره‌کشی کارگر ادامه دهند. چون بخوبی میدانند که اگر دست آنها از کارخانه کوتاه شود مثل زالویی که خون بهش نرسد، بتدریج هم کارفرما و هم عوامل مزدورشان نابود میشوند.

"فاطمی زاده" بالاخره بعد از کلی نسنه من غریب بازی در آوردن و بعد از اینکه سعی میکند کارگران مبارز و شورای کارگران را در پیش کارگران، "بد" نشان دهد، و در مقابل، مقام خودش و مدیران و سرپرستان زورگور خوب نشان دهد، حرف آخرش را راجع به وضع حقوق کارگران میزند.

**کارگران بطور جدی میخواهند که کمیته با عناصر  
ناباب و ضد کارگیشان را تصفیه کنند.**

جالب است که "فاطمی زاده" همیشه به کمیته-های امام اشاره میکند و خودش را مطیع کمیته میدانند غافل از اینکه دیگر برای کارگران روشن شده است

فاطمی زاده خود نمونه بسیار خوبی از این مزدوران است. چون بخوبی میدانیم که وقتی کسی با کارگران جدا جدا و قسمت قسمت صحبت میکند، چه معنائی دارد. مسلماً چیزی جز اینکه صفوف یکپارچه کارگران را در هم بشکند نیست. و این کاری است که "فاطمی زاده" بارها و بارها انجام داده است. و حتی مورد مخالفت و اعتراض یکی از کارگران هم قرار گرفته بود. و وقتی این دوست کارگر از او می پرسد که: "چرا بعمه کارگران را با هم جمع نکردی تا صحبت کنی؟" جواب میدهد که: "چون اینطور کم هستند و بهتر میتوان با هم صحبت کرد و آن طوری شلوغ میشود!" و با این جواب زیرکانه، خودش را از دست کارگر آگاهی که به هدف پلید و تفرقه افکنانه او پی برده بود رها میکند.

"فاطمی زاده" هدف دوم این عده را برای خواباندن کارخانه این میدانند که: آنها بر مرحله اول نوب حمله را متوجه مدیران میکنند. چون وقتی مدیران نباشند کارخانه هم تعطیل میشود.

ما گفتیم که چرا کارگران تصمیم داشتند و میباید مدیران مزدور و سرسپرده‌ای را که کاری بجز زورگویی به کارگران ندارند، اخراج کنند. ولی حالا که با یک اشکال، نبودن مدیریت روبرو شده‌اند، و آنها فقط و فقط بدلیل سنگ اندازیهای همین مدیران و دولت در مقابل کارگران است. فاطمی زاده سعی میکند که مدیران را از کارفرما جدا کند و میگوید که اصلاً مدیران کارفرما فرق دارد و از این گفته برای فریب کارگران استفاده میکند. همه میدانند که مدیریت با کارفرما فرق دارد، ولی آیا فرق بین ایند و آنست که اینها در مقابل یکدیگر قرار میگیرند و مدیر طرفدار کارگر است؟

اینطور که از حرفهای این عامل مزدور کار-فرما بر میآید منظورش این است. ولی نسه آقای فاطمی زاده! اینها (مدیر و کارفرما)



که علیرغم تلاش انقلابی که بعضی از عناصر صادق کمیته‌ها انجام میدهند، کمیته‌ها با نفوذ سرمایه‌داران و ساواکیها و ... عناصر ضد کارگر در درون آن بصورت عاملی در دست سرمایه‌داران برای سرکوب و متفرق کردن و پراکنده کردن و جلوگیری از مبارزات کارگران درآمده اند و کارگران بطور جدی میخواهند که کمیته‌ها با تصفیه عناصر ناباب و ضد انقلابی خودشان را اصلاح کنند و بجای پشتیبانی، از سرمایه‌داران، به پشتیبانی و همکاری با کارگران بپردازند.

در مورد اضافه حقوق، فاطمی زاده میگوید "باید بگویم که من هیچ تضمینی نمیدهم که چه قدر بتوانم به حقوقتان اضافه کنم. مثلاً شش ماه گذشته که ما کاری نکردیم و ضرر کردیم. آینده به شما بستگی دارد و از این به بعد شمه‌کارتان مال شماست، درست مثل ماشین اسکناس است هرچه سریعتر کار کند پول بیشتری جمع میکنیم هرکس بگوید به شما فلان قدر میدهم دروغ میگوید اگر تا به حال نتوانستیم برای شما کاری بکنیم علتش دیکتاتوری بوده و در آینده که دستمان باز است، ببینیم چکار میتوانیم بکنیم."

بخوبی میشود فهمید که همه آن مقدماتی که "فاطمی زاده" چید برای این بود که همین حرف را بزند و درحالیکه کارگران میخواهند، همراه با افزایش هزینه زندگی، مزدشان هم اضافه شود، این مزدور کارفرما، به کارگران وعده‌ها و شرایطی را پیشنهاد میکند که لازم آن، کار و کار و کار است، یعنی: کارگران! شما باید هرچه بیشتر کار کنید، بما هرچه بیشتر سود بدهید تا آنوقت اگر ما خواستیم، کمی هم از آن بشما بدهیم! میبینیم که این بظاهر طرفدار کارگر، در اینجا تضمین اضافه حقوق نمی‌دهد، ولی در روزهای بعد، از کارگر تضمین میخواهد که ۸ ساعت کار کند (\*) تا هر روز ۲ ساعت بیشتر بتواند کارگر را استثمار کند و بدون پرداخت هیچ مزی از او بهره‌کشی بکند. بعد هم با حيله‌گری تمام میگوید: "از این به بعد شمه‌کارتان مال شماست

و ... " باید از این عامل مزدور کارفرما پرسید، اگر شمه کارکارگر مال خودش است پس کارخانه هم شمه کار کارگر است زیرا تا بحال کارگران چندین برابر قیمت کارخانه را تولید کرده‌اند و حالا مال خودشان است. بنابراین چرا شماها برگ معرفی "شمس" (یکی از اقوام نزدیک ارجمند) را برای "مدیریت عاملی" پیش ارجمند، این دزد بین‌المللی که هم اکنون به عیش و نوش مشغول است میفرستید؟ تا این کارفرمای خونخوار شمس را تائید کند، که همین کار را هم میکند. اگر شمه کار کارگر، یعنی کارخانه مال کارگر است پس تائید گرفتن از کارفرما که فرار کرده است چه معنی میدهد؟

فاطمی زاده میگوید: "دیکتاتوری نمیگذاشت ما بشما برسیم" عجب! ما نمیدانستیم که آقای فاطمی زاده اینقدر خوب بوده که میخواسته اند برای کارگران کاری بکنند ولی دیکتاتوری نمیگذاشته، مبارک باشد.

مگر شما مزدوران نبودید که در رژیم سابق هروقت صحبت از اضافه حقوق، سود و ... میشد میگفتید: "همانطور که شاهنشاه (شاهخائن) فرموده‌اند، همانطور که آقای نخست‌وزیر فرموده‌اند، باید کار کنید" و هرچه بیشتر کار کنید مزد بیشتری میگیرید و خود با هرگونه حق طلبی کارگران بشدت مبارزه میکردید؟

## کارگران باید دیدان سرسپرده مزدوری را که کاری بخیزد رفرگویی به کارگران ندانند، اخراج کنند.

ولی حالا دم از این میزنید که میخواستید برای کارگران کاری بکنید؟

نخیر کارگران باینکه شما برایشان کاری بکنید

\* لازم به تذکر است که کارگران این کارخانه در سایه مبارزات حق طلبانه شان در حال حاضر روزی ۶ ساعت (هفته‌ای ۳۶ ساعت) کار میکنند.



دزدی و غارت بی حساب مدیران و کارفرما باز - نی ماند . میخواهد شورا را از بین ببرد و بجای آن شورایی را پیشنهاد میکند که مورد تائید خودش باشد ولی همه کارگران میدانند که چنین شورایی ، هرگز نمی تواند شورای کارگران باشد و مسلما مثل سابق ، از قماش همان سندیکاهای وابسته خواهد بود :

آنوقت اگر کارگران چنین تشکیلاتی داشته باشند ، بهترینست اسم آنرا "شورا یا سندیکای مدیران ، وزارت کار و کمیته "بگذاریم نه سندیکا و شورای کارگران ؟ چون تشکیلات کارگری وقتی واقعی است و میتواند متعلق به کارگران باشد که همیشه در همه حال بخاطر گرفتن حقوق کارگران و دفاع از کارگران در مقابل کارفرما و دولت سرمایه داری مبارزه کند . چون حتی در زندگی کارگر و کارفرما ، یک روز هم پیدا نمیشود که این دو بایکدیگر اختلاف نداشته باشند . یعنی یک روز هم پیدا نمیشود که کارفرما حقوق کارگر را نخورد و کارگر بخاطر آن مبارزه نکند . بطور خلاصه سندیکای شورای واقعی کارگران موقعی واقعی است که همیشه خاری باشد در چشم سرمایه داران و حکومت سرمایه داری ، و نه تشکیلاتی که مورد تائید کارفرما ، مدیرعامل و وزارت کار و دولت سرمایه داری باشد .

دزد بر کارگران مبارز کارخانه ارج !  
پیروز باک مبارزات حق طلبانه کارگران !  
پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر !

پیروز باشید .



احتیاج ندارند ، کارگران خودشان بخوبی میدانند که دیگر چگونه باید حقشان را از شما بگیرند و آنها تنها از طریق متشکل شدن ، آگاه شدن و مبارزه کردن است . کارگران با نظارتی که بر تولید و فروش ، و سود کارخانه میکنند ، دیگر اجازه نمیدهند که همه اختیار زندگی خود و خانواده شان در دست شما باشد و آنها را مجبور کنید که بخاطر چند تومان اضافه دستمزد ساعتها کار اضافی از آنها بکشید .

ولی خاطر جمع باشید که دیگر کارگران بعد از یکسال مبارزه انقلابی و پیروزی بر رژیم دیکتاتوری ، هرگز حاضر نیستند که شماها امکان دهند باز هم بر خرما سوار شوید و هر اسبی که میخواهید بتازید . کارگران ، با تجربه و درسی که از مبارزاتشان گرفته اند با اراده ای قوی تر و عزمی راسختر بمبارزه بر علیه سرمایه داران و نظام سرمایه داری ادامه خواهند داد تا برای همیشه جامعه را از وجود انگلهایی که به اسم سرمایه دار خون ملیونها کارگر را میکنند ، از میان بردارند و نابود کنند .

## کارگران تنها از طریق متشکل شدن ، آگاه شدن و مبارزه کردن ، حقوق خود را از کارفرما میگیرند .

در خاتمه بد نیست به گفته "فاطمی زاده" در مورد شورای کارخانه هم اشاره ای بکنیم ، فاطمی زاده " میگوید : اکثر نمایندگان بجز یک اقلیت ، مورد تائید من هستند و شما باید یک شورای داعی بوجود بیاورید که هم مورد تائید کمیته و هم وزارت کار و هم مدیران باشد .

این دیگر پیروبی و بی شرمی بنام معنا است ، این مزدور میخواهد با بد بین کردن کارگران نسبت به شورایی که تا بحال همیشه مدافع واقعی کارگران بوده و بخوبی میداند که اگر همین شورا بکارش ادامه دهد دیگر جایی برای



# درد بر کارگران مبارز متوساک!

کارگران مبارز شرکت شن و ماسه "متوساک"، که بوسیله کارفرمای شرکت بطور دسته جمعی اخراج شده بودند، بعد از ۲۵ روز تحصن در دفتر شرکت و ۴ روز اعتصاب غذا، وقتی با بسی توجهی مسئولین دولت و کارشنکی های کارفرما و مزد و رانش روبرو شدند، وقتی که دیدند در مقابل خواست منطقی شان، آنها را با مسلسل تهدید میکنند، تصمیم گرفتند که سر مشقی برای تمام کارگران است.

کارگران مبارز شرکت متوساک، بدستی تصمیم گرفتند تا اداره شرکت را خود بعهده بگیرند و باره انداختن تولید، قدرت و نیروی خودشان را به کارفرما و آنهائی که میگویند کارگران نمی توانند شرکتها را اداره کنند نشان دهند.

کارگران با نوشتن ۵ نامه به خانه کارگر، کانون وکلا، حقوق بشر، آیت الله طالقانی و وزارت کار، علت تحصن و اعتصاب غذای خود را شرح داده و تصمیم خود را برای اجرای این امر انقلابی اعلام کردند. کارگران روزیکشنبه، بمحل شرکت واقع در "علی شاه عوض" رفتند و با تعمیر ماشینها و بکار انداختن آنها، تولید شن و ماسه را شروع کردند. در اداره کارخانه و دفاتر طرف کمیته امام بعنوان ناظر شرکت دارند.

کارگران در نامه ای که به وزارت کار نوشته اند، گفته اند: "ما عزم راسخ داریم که کارخانه را خودمان اداره کنیم، و اگر وزارت کار مانع دخالت افراد مسلح کمیته ها و ایادی کارفرما نشود هرگونه اتفاقی که برای کارگران، از جانب این افراد بیفتد، مسئولیت مستقیمش با دولت خواهد بود".

کارگران خواستار حمایت کلیه کارگران و نیروهای مترقی و مبارز شده اند. با همت کارگران، چرخهای تولید شرکت بکار افتاد. روحیه عالی و همکاری صمیمانه و زینقانه کارگران در تقسیم کار و حفاظت شرکت، همه و همه مشت محکمی است بر دهان یاوه گویانی که ادعا میکنند کارگران نمی توانند شرکتها را اداره کنند و از این طریق آب به آسیاب سرمایه داران میریزند.

کارگران اکنون موقع کار کردن با روی گشاده و شاد با یکدیگر صحبت میکنند، و خود را در کارهای کارخانه با یکدیگر سهیم و شریک میدانند. کارگری در حین تعمیر ماشین آلات در حالیکه میخندید، میگفت: "راستی هم که انسان فقط بکار زنده است" و یکی دیگر از کارگران میگفت: "ما کارگران ثابت کرده ایم که تنها و تنها ما هستیم که میتوانیم چرخهای تولید را بکار اندازیم و از این جهت هم ما هستیم که باید کارگاه را اداره کنیم".

پیروز باد مبارزات کارگران!

## پیروزی کارگران "متوساک"

چرخهای کارگاه ما بدون وجود کارفرما بدست کارگران  
بکار افتاد

واقعه هنگامی آغاز شد که کارفرما همه ما (۱۰ نفر کارگر)

را در تاریخ ۵/۱/۱۵ بطور دسته جمعی از کار اخراج کرد.

هنگامیکه ما برای آگاهی از دلیل اخراج بشرکت مراجعه کردیم،



با استقبال مسلسل یوزی عامل کارفرما روبرو شدیم ولی ما نهرا سیدیم . مقاومت کرده و در همانجا متحصن شدیم و حتی کارفرما را در جمع خود ننگداشتیم که البته بعدا بوسیله ماموران مسلح کمیته فراری داده شد . در ضمن تحصن با مراجعه به وزارت کار و دادگستری و همچنین کمیته های امام ، خواهان رسیدگی به این کار شدیم ولی نتیجه ای حاصل نشد و همه جا جواب سر بالا شنیدیم . ناچار دست به اعتصاب غذا زدیم .

۲۵ روز تحصن همراه با ۴ روز اعتصاب غذا . نتیجه ؟ . . .

هیچ !

در حالی که بازوان پرتوان ما بی عمل و بچه های ما گرسنه اند ،  
در حالیکه بحران اقتصادی و تعطیل کارخانه ها ، میهنمان  
راد رآستانه و رشکستگی قرار داده است ،  
در حالیکه رهبرانقلاب ، ضرورت بکارانداختن چرخهای  
اقتصاد مملکت را بارها متذکر میشوند ،  
در حالیکه چرخهای کارگاه مادران زنگ زدن و از کار  
افتادن بود ،

چه باید می کردیم ؟ برای ما کارگران فقط يك راه باقی بود آن ؛  
گرفتن کارگاه در دست خود و بکارانداختن چرخهای آن با

اتکاب نیروی خود .

به این ترتیب روز يك شنبه ۹ اردیبهشت به کارگاه رفته و  
بعد از تعمیر دستگاها و تقسیم کار ، دست به کار تولید و  
فروش شدیم .

دو روز کار بدون کارفرما و عمال مزد ورش به ما چه آموخت ؟  
در همین دو روزی که ما کارگران ، خود اداره کارگاه را در  
دست گرفته ایم باین نتیجه رسیدیم که :

۱- ما قادر به تولید نه تنها برابر ، بلکه بیشتر از سابق هم  
هستیم .

۲- میتوانیم هزینه ها را به حداقل برسانیم .

۳- بدون وجود عاملین کارفرما ، علاوه بر نحوه صحیح تقسیم کار

محیط کار صمیمانه ای هم بر ایمن ایجاد شده است .

۴- ما خود میتوانیم کنترل تولید و فروش را در دست داشته

باشیم .

و به این ترتیب ما به کار خود ادامه میدیم و هیچ کس و

هیچ نیروی نمی تواند ما را از این راهی که انتخاب کرده ایم

منصرف کند . ما با این اقدام انقلابی خود ثابت کردیم که :

کارگران میتوانند و باید کارخانه های تعطیل شده بوسیله

کارفرمایان ضد انقلابی را بکاراندازند .

کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه " متوساک " ( ۵۸/۲/۱۱ )

ارشيو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



# چند نکته روز...

## ● صبر کنید! صبر کنید!

## ● ضد انقلابی و تفرقه انداز واقعی کیست؟

انقلاب مردم ستمدیده ما هنوز به پیروزی کامل نرسیده است. چرا که هنوز بانکها ملی نشده، صنایع وابسته ملی نشده، دهقانان زیر ستم زمین داران هستند، رادیو تلویزیون در انحصار یک عده خاص است، کارگران بیساعت کار در هفته، مزد مناسب و صندوق بیمه بیکاری و ... نرسیده اند.

انقلابی، کسی است که تلاش کند تمام مردم ستم دیده، به تمام چیزهایی که در این مرحله از انقلاب باید برسند، برسند. اما کسانی که امروز به قدرت رسیده اند، یا کسانی اند که از اول خواهان انقلاب نبوده اند و یا حالا که به منافع خود رسیده اند دیگر حاضر نیستند در پیشبرد انقلاب شرکت کنند. اینها می گویند: شاه رفت پس همه چیز تمام شده است. اینها به کارگرانی که خواهان کار، آزادی، صندوق بیمه بیکاری و ... هستند، می گویند: "ضد انقلابی" و "کمونیست" و ... اینها به مردم ستمدیده، کرد و گنبد و ... که حق تعیین سرنوشت می خواهند، می گویند "ضد انقلابی" و "تجزیه طلب" ...

واقعیت اینست که اینها از پیشرفت انقلاب می ترسند. اینها می خواهند انقلاب را متوقف کنند، بنابراین در مقابل مردم حق طلب می ایستند، و از زدن هر نوع تهمت به آنها هراسی ندارند. اینها نمی خواهند سرمایه داری وابسته از بین برود. اینها نمی خواهند آزادی برای مردم ستم دیده وجود داشته

به کارگران حق طلب، به دهقانان ستمدیده و به مردم زحمتکش در مقابل درخواستهایشان می گویند: "صبر کنید"، بسیار خوب مگر این زحمتکشان بی صبرند؟ آنها که خون دادند، ماهها بیکاری کشیدند، بی نفتی و بی برقی و گرسنگی کشیدند، مگر بی صبرند؟ ... اما بقول معروف سالی که نکوست از بهارش پیداست. شما که هنوز هیچی نشده، هنوز خون شهدا در کف خیابانها خشک نشده، تحریک میکنید تا عده ای ناآگاه، کارگران را کتک بزنند، شما که حرف کارگران بیکار را در رادیو تلویزیون سانسور میکنید، شما که رئیس بانک مرکزی تان (آقای مولوی) به سرمایه داران فراری میگوید، آقایان برگردید، برگردید هیچ خبری نیست، آقای رضائی برگردید آقای خیامی بیائید، خیالتان جمع باشد کارگران در اختیار شما هستند که استثمارشان کنید، وابستگی تان به امپریالیستها را حفظ کنید، ... آری شما که همه اینکارها را میکنید ولی حاضر نیستید برای کارگران و زحمتکشان کاری اساسی بکنید و حداقل در این موارد طرح و برنامه مثبت و نوئی که امیدوارکننده باشد، نمیدهد، چه انتظاری از مردم دارید؟ و چه دلیلی دارد که از آنها بخواهید صبر کنند؟ صبر کنند که آقای خیامی بیاید سبب جایش؟ صبر کنند که آقای رضائی بیاید بالای سر کارگران و دوباره آنها را به بند بکشد؟ صبر کنند قانون اساسی و قانون کاری که دلخواه شماست تصویب شود؟ چیزی هم دست زحمتکشان نرسد؟ ...



نشاندهنده چنین مبارزه ای نبود؟ اگر چنین بود پس برگرداندن سرمایه داران وابسته که عامل استثمار توده های مردم بودند، چه معنایی دارد؟

همه می دانند که امپریالیستها بوسیله عمال داخلیشان، بر اوضاع میهن ماسط شده بودند. آیا برگرداندن سرمایه داران وابسته مفهومی جز تقویت سلطه امپریالیستهای چپالگر در میهن ما، خواهد داشت؟ آیا معنای چنین کاری جز خیانت به انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما خواهد بود؟ آیا چنین عملی مفهومی جز لگدمال و پایمال کردن خون هزاران شهید خواهد داشت؟ ■

ادامه از صفحه ۱۳

\* ۵- پرداخت فوری حقوق بیکاری - نه وام بیکاری - تأمین کار برای کارگران اخراجی و بیکار عضو، از طریق "سند یکای کارگران پروژه ای (فصلی) آبادان و حومه".

\* ۶- کارفرمایان و مقاطعه کاران، رأساً حق استخدام هیچ کارگری را در آینده نداشته باشند، مگر از طریق "سند یکای کارگران پروژه ای".

\* ۷- ما کارگران پروژه ای و بیکار آبادان همبستگی خود را از کلیه کارگران بیکار (فصلی) و نیروهای مترقی اعلام میداریم. ضمناً پشتیبانی کامل خود را در رسیدگی به خواسته های برحق کانون تحصیل کرده - های بیکار و بیمه به بالا ی آبادان، که در چمن باشگاه شهرداری متحصن هستند و چهار روز است که به اعتصاب غذا دست زده اند، اعلام می داریم.

پشتیبانی و همبستگی شما هموطنان مبارز و برادران کارگر سراسر کشور ضامن پیروزی ماست.

ایستگاه ۸ "سند یکای کارگران پروژه ای آبادان و حومه". ■

باشد. چرا که خوب می دانند در این صورت، مردم زحمتکش، خود حاکم بر سرنوشت خود میشوند و این به نفع آنها نیست. بنابراین آنها نعل وارونه می زنند و به مردم ستمدید و و حق طلب می گویند "ضد انقلابی" در حالی که ضد انقلابی واقعی خودشان هستند. آنها از احساسات مذهبی مردم، سوء استفاده میکنند و عده ای ناآگاه را بجان کارگران و دهقانان و روشنفکران و... می اندازند. بعد هم می گویند آنها اخلاک و تفرقه اندازند، در حالیکه تفرقه اند از اصلی خودشان هستند که می خواهند مردم را به اسم مذهبی و کمونیست بجان هم بیاننازند. مردم ما خوب بیاد دارند که سرمایه داران در دوران رژیم شاه و خود رژیم شاه هم همینکار را می کردند، آنها هم به مردم حق طلب می گفتند: "اخلاکگر"، "خرابکار کمونیست" و... چرا؟ چون از حق طلبی مردم می ترسیدند. این مسئله نشان می دهد که تا زحمتکشان، خود حاکم بر سرنوشت شان نشوند، این قصه ادامه دارد.

## • یک نفر کم داریم آنهم برگردود؟!

آقای مولوی مدیرکل بانک مرکزی در مصاحبه ای گفت: "سرمایه داران فراری میتوانند به ایران برگردند" حتی امثال رضائی ها از ایشان باید پرسید: هدف مردم ما از انقلابی که بیش از ۶۰ هزار شهید داشت، چه بود؟

مگر مردم مبارز میهن ما در طول نبرد قهرمانانه خود، امپریالیسم آمریکا و عوام مسل داخلی را هدف حمله خود قرار نداده بودند؟ و خواستار رشد کن ساختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته نبودند؟ مگر حمله به بانکها و اماکن امپریالیستی و مؤسسات وابسته،





# ( اخبار کارگری )

## ● اخراج رئیس بازرسی کارخانه، بوسیله شورا

می‌برد.

استوار تولیت وقاحت و بیشرمی خود را کامل کرده و در کارخانه بدروغ شایع میکند که اهالی طهر آباد ( روستای نزدیک کارخانه ) قصد از بین بردن کارگر مزبور را دارند . تا بدین وسیله این کارگر مبارز را ترسانده و وادار به استعفا نماید . در این موقع شورای کارکنان کارخانه که از طرف خود کارکنان کارخانه انتخاب شده است ، از استعفای این کارگر جلوگیری کرده و برسیدگی درباره این جریان می‌پردازد . کارگران که متوجه می‌شوند شورا قصد دارد سوابق استوار " تولیت " را بررسی کند ، شکایت‌های فراوانی را که در طی سالهای اخیر از " تولیت " جنایتکار داشته اند ، به شورا ارائه میدهند .

یکی از کارگران در شکایت نامه خود،

چنین نوشته بود :

" موقعی که فرح به کاشان می‌آمد ، تعدادی اعلامیه ( مربوط به مسافرت فرح به کاشان ) در کارخانه پخش شد که مراتب فوراً به پاسگاه ژاندارمری مشکان ( روستای نزدیک کارخانه ) و ساواک قم اطلاع داده شد و مرا به این اتهام ، چندین روز به پاسگاه و ساواک بردند و بعداً تیز مدیر کارخانه گفت : طبق گزارش استوار " تولیت " شما در کارخانه دسته به خرابکاری زده‌اید و اخراج هستید و من مدت ۷ ماه بیکار بودم "

در تاریخ ۱۳ اسفند ۵۷ ، یکی از کارگران کارخانه فرح ماشینی را وند ( کاشان ) اعلامیه‌ای درباره مسائل کارگری در کارخانه پخش میکند . یکی از اعلامیه‌ها بدست استوار " تولیت " رئیس بازرسی کارخانه می‌افتد . نامبرده شروع به شایعه پراکنی بر علیه کارگر مزبور می‌کند و با گفتن اینکه اعلامیه کمونیستی است و این کارگر تحت تاثیر دو نفر از افراد شورای کارخانه دست به اینکار زده می‌خواهد میان کارگران و شورای کارخانه تفرقه بیندازد .

استوار تولیت ضد کارگر ، به این هم قناعت نکرده و کارگر مزبور را بکمک چند نفر از دارودسته اش به کمیته امام می - فرستد . اما در آنجا کمیته پس از مطالعه اعلام میکند که پخش اعلامیه مزبور هیچ اشکالی ندارد و کارگر را آزاد میکنند . ولی " تولیت " مزدور که تیرش به سنگ خورده بود بدروغ شایع میکند که کمیته امام گفته : این کارگر کمونیست است و ریختن خون او مباح . او - بدین ترتیب سعی میکند کارگران کارخانه را بر علیه رفیقشان تحریک کند . حتی پارا از این هم فراتر گذارده و صبح روز بعد به اتفاق چند نفر دیگر از دارودسته اش به اطاق مسکونی این کارگر واقع در کوی کارگری حمله کرده ، پس از بهم ریختن اثاثیه اطاق ، چند جلد کتاب موجود را با خود



ساعت‌ها مذاکره وقتی وزیر کار گفته بود که با خواسته‌های آنها موافق است اما باید صبر کنند ( کارگری که ماههاست حقوقی دریافت نکرده چگونه می‌تواند چند ماه دیگر هم صبر کند؟ پس خرج زن و بچه‌اش چه میشود؟) نمایندگان کارگران هم پذیرفته بودند و به کارگران گفته بودند که به شهرهای خود بازگردند ( بیشتر کارگران از اهالی شمال هستند ) تا نمایندگان به بحث‌های خود ادامه دهند و هر وقت به نتیجه رسیدند، کارگران را خبر خواهند کرد.

تعداد شکایت‌ها خیلی زیاد بود و بالاخره شورا در تاریخ ۱۶ اسفند تشکیل جلسه داده و به تمام شکایات رسیدگی می‌کند. ولی چون "تولیت" دیگر دستش کاملاً رو شده بود، بهتر می‌بیند که فیلم بازی کند، و بعنوان اعتراض جلسه را ترک می‌کند. سرانجام شورای کارخانه تصمیم به اخراج وی می‌گیرد و اینکار را عملی می‌کند.

## تکلیف ۳۰۰۰ کارگر شرکت ساختمانی فسان چیست؟

۳۰۰۰ کارگر شرکت ساختمانی "فسان"، چند ماه است که حقوق خود را از شرکت نگرفته‌اند. یکی از روزهای آخر فروردین، حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران این شرکت که در تهران هستند برای گرفتن حقوق خود، جلوی دفتر شرکت در خیابان وصال شی—رازی اجتماع کردند و به تبادل نظر با یکدیگر پرداختند. آنان دو نفر نماینده از میان خود انتخاب کردند تا با کارفرما و وزارت کار مذاکره کنند. و قرار گذاشتند که روز سه‌شنبه ۲۸ فروردین در مقابل وزارت کار اجتماع کنند تا نمایندگانشان به مذاکره با وزارت کار بپردازند.

روز سه‌شنبه کارگران در مقابل وزارت کار جمع شدند و پس از چند ساعت صحبت نمایندگانشان با وزارت کار قرار شد بعد از ظهر هم به صحبت خود ادامه دهند. طی مذاکرات بعد از ظهر، کارگران هم در میان خودشان بحث میکردند و برخی معتقد بودند که: "اگر امروز جواب مثبت ندادند، در شرکت متحصن شوند." از نتیجه مذاکرات معلوم بود که نمایندگان کارگران با پیگیری و استواری بر روی خواسته‌های کارگران پافشاری نکرده‌اند. چون پس از

## تخصن کارگران کاغذسازی ساری

صنایع کاغذسازی ساری در "پهنه کلا" قرارداداشته و وابسته به شرکت "بهن شیر" میباشد که این شرکت، متعلق به شاهپور غلامرست است.

حدود ۱۰۰ نفر از کارگران این کارخانه از اواخر فروردین، در دادگستری ساری متحصن شده‌اند. علت تخصن کارگران اینست که کارفرما چهارماه حقوقشان را پرداخت نکرده است. خواستهای کارگران در این تخصن، بقرار زیر است:

- ۱- پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده کارگران.
- ۲- کارگران اخراجی باید بسرکار خود باز گردند.
- ۳- پرداخت حق مسکن و حق اولاد.
- ۴- پرداخت بیمه کسر شده از حقوق کارگران. (چون هیچکدام از کارگران از نظر قانونی بیمه نیستند!)
- ۵- مابه التفاوت حقوق و مزایای جمعه و ایام بیکاری، باید پرداخت شود.

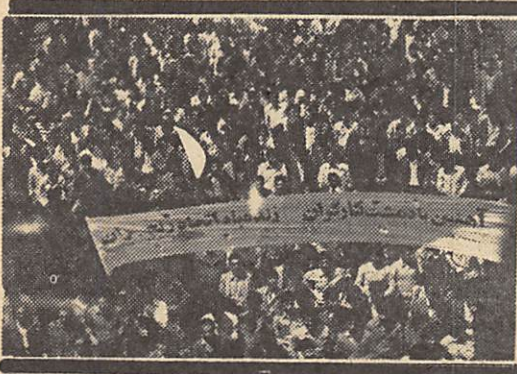


## راهپیمایی ۲۰۰۰ نفر از کارگران ساختمانی پرسونیون

این توطئه‌گران می‌گفتند: ما تا پولمان را نگیریم از اینجا نمی‌رویم.

کارگران از قبل برنامه مفصلی ریخته بودند. آنها پلاکاردها آورده و غذا آماده کرده بودند، تادرهمانجا نشسته و تازمانی که حقوق خورا نگرفته اند، آنجا را ترک نکنند.

مقامات شهر وقتی می بینند که کارگران کاملاً مصمم هستند و به هیچ وجه نمی‌شود اجتماع آنها را به هم زد، بلافاصله شخصی را بنام آقای "مروی" از اهواز بمسجد سلیمان می فرستند. این آقا به کارگران قول میدهد که حقوق کارگران را در عرض ۸ روز بتدریج بپردازند. و بدین ترتیب اجتماع کارگران با موفقیت پایان می‌پذیرد. کارگران این شرکت، کارگرانی هستند که در بخش ساختمانی تلویزیون کار میکنند و در حال حاضر در پی تشکیل سندیکای واقعی خود هستند.



## پیروزی شورای دهقانی روستای قیام آباد

بدنبال مبارزات حق طلبانه دهقانان روستای "قیام آباد" (شاه محله سابق) که در زمان رژیم سابق اراضی خود را از دست داده بودند، در سایه اتحاد و همبستگی خود توانستند زمین‌های خویش را از طریق

بدنبال مبارزات ۸ ماهه کارگران ساختمانی "پرسونیون" در مسجد سلیمان، برای گرفتن دستمزد عقب افتاده‌شان، بالاخره در تحمّن کارگران، فرماندار مسجد سلیمان قول کتبی داد که روز شنبه ۲۵ فروردین حتماً حقوق‌ها پرداخت خواهد شد. روز شنبه ۲۵ فروردین، کارگران جلوی اداره کار را بن شهر جمع میشوند. اما می‌بینند نه از مسؤلین اداره کار خبری هست و نه از فرماندار. هیچکس نبود. آنها مخصوصاً برای آنکه جواب کارگران را ندهند، اداره را گذاشته و رفته بودند.

کارگران تصمیم می‌گیرند که راهپیمایی کنند و بسمت فرمانداری بروند. حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران در این راهپیمایی شرکت داشتند و بطور خیلی منظم این شعارها را میدادند: "حقوق کارگر، پرداخت باید گردد. فرماندار دروغگو اخراج باید گردد. پول - کار - سندیکا" و ...

فرماندار وقتی متوجه میشود که کارگران بسمت فرمانداری می‌آیند، بلافاصله از فرمانداری خارج شده و میرود. کارگران پیس از رسیدن به فرمانداری، در آنجا جمع می‌شوند. مردم از کارگران حمایت زیبایی کرده و با آنها همکاری می‌کردند.

در این موقع، عده‌ای از طرف کمیته می‌آیند تا اجتماع کارگران را بهم بریزند. آنها در میان مردم شایع میکنند که اینها اخلال‌گرند و برای اخلال‌گری جمع شده‌اند. اما کارگران که در عرض این مدت ۸ ماه مبارزه برای بدست آوردن حق و حقوقشان، چهره واقعی اشخاصی از این قبیل را خوب شناخته بودند، با خونسردی هرچه تمامتر جلوی هر گونه توطئه آنها را گرفته و نمی‌گذارند اجتماعشان بهم بخورد. کارگران در مقابل



شدند. برخی از شعارهایی که دهقانان با خود حمل میکردند این بود:

" تا کوتاه شدن دست مرتجعین چون صفائی، رنجبر و ... ( مالکین قبلی ) تحصن ادامه دارد " ، " مالکین و سرمایه داران ، نظر به نان خورده ما دارند " ، " نایب ساد مالکین و سرمایه داران ضد خلق " ، " زمین مال کسی است که روی آن کار میکند . "

## • تبعیض میان کارگران و کارمندان اداره راه زاهدان

حدود ۶ نفر از کارگران اداره کل راه و ترابری استان سیستان و بلوچستان از روز ۷ اردیبهشت در محل اداره راه در زاهدان دست به تحصن زدند . تحصن کارگران بعنوان اعتراض به عدم پرداخت مزایای شغلی است .

کارگران در اطلاعیه‌ای شرح داده‌اند که مدت یک هفته است بمنظور دریافت ۷۵۰ تومان مزایای شغلی با مقامات اداره کل راه و ترابری مذاکره کرده‌اند ولی به جایی نرسیده‌اند . آنها در اطلاعیه خود آورده‌اند: ماضداً انقلاب نیستیم بلکه فرد فرد ما ، سرباز انقلابی هستیم . مزایای شغلی مطابق قانون زمان رژیم سابق ، فقط بکارمندان تعلق میگیرد در حالی که کارگران این اداره خوا-هان در نظر گرفتن این مزایا برای خودشان هم شده‌اند .



شورای دهقانی باز پس گرفته و به زیرکشت ببرند .

اختلافات بر سر این اراضی ، از ۱۲ سال پیش تا کنون ، میان مالکین و دهقانان این روستا ادامه داشته ولی هربارشکایات و مبارزات دهقانان با پارتی‌بازیهایی مالکین در ادارات و ژاندارمری ، به جایی نرسیده است . پس از اینکه زمین ها بوسیله شورای دهقانی از دست مالکین خارج گردید ، برای

کشت آماده شد . اما در همین زمان بود که وزیر کشاورزی دولت فعلی ، تصرف زمین ها را بوسیله دهقانان ، غیر قانونی خواند و اعلام کرد در صورتی که دهقانان در پی تصرف زمین هایشان باشند دولت با زور با آنها برخورد میکند .

این گفته وزیر کشاورزی موجب شد که مالکین سابق امیدوار شده و با پشتگرمی از پشتیبانی دولت ، دوباره بفکر گرفتن زمینها از دست دهقانان بیفتند . در روز ۲۸ فروردین ، موقعی که هوا تاریک شده بود ، عده‌ای جماعه که از طرف مالکین قبلی اجیر شده بودند به خزانه ( قطعه زمینی که تخم در آن بحالت نشادرمی آید ) و اراضی زیرکشت حمله برده و حاصلزحمت شبانه روزی دهقانان زحمت کش را از بین بردند .

دهقانان که به این ترتیب اولیین شمرات دولت جدید را به چشم خود میدیدند به کمیته امام مراجعه کرده و از آنجایی خواستند و با کمک ۵ نفر از پاسداران حفاظت روستا را بعهده گرفتند . ولی چون کمیته حاضر نشد زمین های دهقانان را به خود آنها برگرداند و بعلاوه هر شب مورد حمله جماع بدستان مالکین واقع میشدند ، از همین جهت روز ۳۰ فروردین با بیل و کلنگ به همراه زن و بچه هایشان و با پلاکارد بر اهیمائی درآمل پرداخته و در فرمانداری شهر متحصن



## دستگیری و تهمت زدن بیک کارگر

بعد از ظهر ۱۲/۱۲/۵۷ قرارداد بسته نشود شورا را سا اقدام بفروش خواهند نمود . روز ۱۲ اسفند رسید و کارفرما حاضر نشد قرار داد را ببندد . در نتیجه از صبح یکشنبه ۱۳ اسفند ، شورای کارخانه فروش نقدی فرش ها را آغاز کرد و پس از چهار روز فروش ، مبلغ لازم را جهت سود ویژه بدست آورده و در میان کارگران تقسیم کرد . این روش انقلابی شورای کارخانه " راوند" می تواند سرمشق خوبی باشد برای سایر کارخانه هایی که کارگران آن هنوز نتوانسته اند حق و حقوق خود را از کارفرما بستانند .

## اعتصاب و تحصن کارگران قند یاسوج

بیش از ۹۰ نفر از کارگران کارخانه قند یاسوج از روز ۸ یا ۹ اردیبهشت دست به اعتصاب زده و در محل کارخانه متحصن شدند . علت اعتصاب و تحصن کارگران ، کمی حقوق و تبعیض میان کارمندان و کارگران کارخانه است . کارگران طی اعلامیه ای شش ماده ای خواستار انجام خواسته های خود شدند . اعتصاب و تحصن کارگران با سخنرانی استاندار ، به پایان رسید .

## اخراج کارگران پهنان ادامه دارد

دو هفته پیش ۸۰ نفر از کارگران اداره ریشه کنی مالاریای شهرستان میناب اخراج شدند . علت اخراج کارگران ، این بوده که دیگر به وجود آنها احتیاج نداشته اند ! براستی تا زمانی که نظام سرمایه داری بر جامعه ما حاکم است ، سرمایه داران و کارفرمایان تا وقتی که به نیروی کار کارگری احتیاج داشته باشند ، او را نگه میدارند و همینکه دیگر احتیاجی بوجود او نباشد مانند یک شیئی زبانی اخراج میکنند .

روز شنبه ۱۸ فروردین در اهواز ، یکی از کارگران بوسیله افراد کمیته امام در مقابل اداره کار دستگیر میشود . آنها او را به کمیته برده و به او تهمت " ضد انقلابی " و " اخلاصگر " میزنند و بهمین جرم به دادستانی معرفی میکنند . ولی دادستان اهواز در تحقیقاتی که از وی میکند چون به این نتیجه میرسد که اتهامات وارده صحیح نیست ، وی را آزاد میکند . سپس یکی از فعالین کمیته امام به این کارگر پیشنهاد میکند که با گرفتن ۲۰۰۰ تومان رشوه ، اهواز را ترک کند ولی این کارگر ، پیشنهاد کمیته امام را رد کرده و میگوید : " من محتاج پول شما نیستم و می خواهم حق خودم را بگیرم "

## سرمشق شورای کارخانه فرش ماشینی راوند برای سایر کارگران

از اوایل اسفند ۵۷ ، شورای کارکنان کارخانه فرش ماشینی راوند (کاشان) برای بستن قرارداد سود ویژه ، با کارفرما به مذاکره نشسته بود . ولی هر بار کارفرما به بهانه های مختلف از زیر بار بستن قرارداد شانه خالی میکرد . این مذاکرات چهار روز به طول انجامید . و وقتی شورا پی برد که کارفرما به این سادگی حاضر نیست حق کارگران را بدهد ، اطلاعیه ای در تاریخ نهم اسفند منتشر کرد . در این اطلاعیه نوشته شده بود : " شورا پس از چند روز مذاکره در مورد بستن قرار داد سود ویژه ، با نماینده کارفرما به توافق نرسیده و موقتا از امروز از خروج فرش از کارخانه ، جلوگیری میگردد و اگر چنانچه تا ساعت ۳/۵



## اعلام موجودیت سندیکای صیادان محمودآباد حومه

## (ما سیکران آزاد)

ما صیادان، که در طول سالهای سیاه گذشته، همچون دیگر قشرهای زحمتکش، رنج و فشار کار و زندگی را با پوست و استخوان خود لمس کرده‌ایم، حال حق خود میدانیم که بطرز آزاد و با حمایت دولت و کمک آن، هم چنان به حرفه خود بپردازیم.

ما صیادان، در گذشته علیرغم جانفشانی نیمه‌های شب در اعماق دریا بمنظور تغذیه خانواده‌مان، بشکل ناجوانمردانه‌ای از ظرف ژاندارمری و شیلات مورد تهدید بودیم و هر بار که ابزارکارمان (یک قایق و چند شاخه دام) بزور از ظرف ژاندارمری و شیلات بغارت میرفت، فقر و گرسنگی، بیشتر بر سر خانواده ما سایه می‌افکند.

ما طی سالهای سیاه دیکتاتوری، همکاران زیادی را شبها در اعماق دریا در پی امرار معاش از دست داده‌ایم، چون آزاده صید نبودیم. ما دیگر به هیچ قیمتی اجازه نخواهیم داد گذشته سیاه تکرار شود.

ما صیادان "محمودآباد"، با گرد - همآئی تاریخ ۵۸/۱/۲۶ و با تشکیل سندیکای کارگران صیاد "محمودآباد"، موجودیت خود را بدینوسیله رسماً اعلام نموده و همبستگی عمیق سندیکارا با سندیکای کارگران صیاد دیگر شهرهای سواحل خزر، اعلام می‌نمائیم.

"صیادان محمودآباد حومه"

## خواسته‌روستائیان طوالش

اخیراً، بیش از ۱۰۰۰ نفر از کشاورزان روستاهای "پره سر" طوالش دست به راه پیمائی زدند. در طی این راه پیمائی، کشاورزان این روستاها، خواستار دستگیری ۳ نفر از ملاکین و زمینداران بنام های حاج هدایت، ذبیح الله و وجیه الله شدند.

## کارگران شرکت "نمونه حق خود را میخواهند"

کارگران "مخازن سوخت و آب اسکلت فلزی ماشین الات صنعتی نمونه" نیز همچون سایر برادران کارگیشان مجبورند تا بهار ۶ ماه بیکاری، اخراج، نگرفتن حقوق و... را با تمام مشکلات و نابسامانی‌های آن متحمل شوند. مشکلاتی که تنها و تنها ناشی از سود جوئی و غارتگری سرمایه داران و بی‌توجهی دولت موقت به مسائل کارگران است.

ولی همچنان که همیشه ثابت شده است، کارگران برای گرفتن حقوق خود دست آخر برای نابودی سرمایه داران و نظام سرمایه داری راهی بجز مبارزه متحد و یکپارچه ندارند. کارگران مبارز شرکت صنعتی نمونه نیز برای گرفتن حقوق خود، دست به مبارزه با کارفرما زدند. این کارگران که شش ماه حقوق نگرفته بودند و عده‌ای از آنها هم اخراج شده بودند، در تاریخ دوشنبه سوم فروردین طی شکایت نامه‌ای به وزارت کار، اعلام کردند که اگر به خواسته‌های آنها پاسخ مثبت داده نشود، در دفتر شرکت دست به تحصن می‌زنند. روز بعد، تعدادی از کارگران در شرکت اجتماع کردند و پس از مذاکراتی با پیمانکار شرکت و "شورای ویژه بازرسی کار" توانستند پیمانکار شرکت (مهدیانی) را مجبور کنند تا مزایا را بطور کامل بپردازد و همچنین حقوق ۵ ماه بیکاری را نیز به کارگران پرداخت کند.

وقتی حقوق و مزایای عقب افتاده کارگران را حساب کردند، معلوم شد که طلب هر کارگر از کارفرما حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان میشود، ولی سرانجام مهدیانی به هر کارگر فقط بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان میدهد.

پیروزیاد مبارزات کارگران!

زنده با اتحاد و همبستگی کارگران!



# صفحه خودتان:

کرده و نامه ها و مطالبش را از این ببعده ، همیشه با آن نام برای ما بفرستد . همچنین شغل خود را هم فقط به اینصورت که اگر کارگر است ، بنویسد : "کارگر" و اگر دانشجو است ، بنویسد : "دانشجو" و ... مشخص کند. این از لحاظ جواب دادن به نامه ها و آشناسدن به نظرات خوانندگان ، ما را کمک خواهد کرد .

رفیق کوراوغلی :

الف - در این مورد حرفت را کاملا " قبول داریم و این را درست می دانیم که خط تشریه ریزاست و در موقع خواندن ، موجب خستگی کارگران می شود . از همین جهت ما این مسئله را از شماره آینده نشریه رعایت خواهیم کرد . همچنین در مورد کم کردن حجم نشریه و در عوض کوتاه کردن مدت انتشار آن ، محدودیت هائی از نظر نیروی بیشتری که طبعاً " صرف نشریه خواهد شد ، داریم . که امیدواریم بتوانیم این کمبود را هم جبران کرده و از یکی دو شماره دیگر ، نشریه را با حجمی کمتر و با فاصله زمانی ده روز به ده روزیا حتی هفتگی انتشار دهیم .

ب - مطالب اقتصادی را هم از شماره قبل سعی کردیم حتی الامکان ساده تر و متنوع تر باشد و باز هم سعی خود را ادامه خواهیم داد تا چقدر موفق شده باشیم .

ج - بخشی از نشریه را هم از شماره آینده به شرح لغات و اصطلاحات مورد لزوم کارگران اختصاص می دهیم .

د - از لحاظ ساده نویسی هم قبول داریم

دوستان خواننده ! هر هفته ، نامه های مختلفی از طرف شما به سازمان ما می رسد که در آن نامه ها ، نظرات انتقادی و پیشنهادی خودتان را مطرح کرده اید و با توجه به اینکه ما با تمام خوانندگان "کارگروه پیش !" ارتباطی سازمانی نداریم تا از آن طریق به انتقادات و پیشنهادات وارده برخورد شود ، از همین جهت لازم دیدیم از این شماره ، بخشی از نشریه را به جواب دادن به نظرات انتقادی و پیشنهادی شما خوانندگان عزیز ، اختصاص بدهیم .

شک نیست که ما خودمان ، به تنهایی هرگز نخواهیم توانست نشریه را آنطور که باید و شاید رشد و ارتقاء داده و آنرا بصورتی که لازمه یک نشریه واقعا " کارگری است ، در آوریم . از همین جهت انتقادات و پیشنهاداتی که از جانب شما خوانندگان " کارگروه پیش !" به دست ما می رسد ، می تواند کمک بسیار زیادی به ما بکند تا این نشریه را بصورتی هر چه بهتر و پربارتر در آوریم .

از همین جهت از کلیه خوانندگان این نشریه ، ام از کارگران ، روستائیان ، روشنفکران و ... درخواست داریم که نسبت به این نشریه مسئولانه برخورد کرده و نظرات خودتان را که می تواند در رفع اشتباهات این نشریه ، در بهتر شدن محتویات این نشریه ، بسیار موثر واقع شود - از هر طریق ممکن ، برای ما بفرستید . در همین رابطه نکته ای که لازم بتذکر است ، اینست که هر خواننده ای که برای ما نامه می نویسد ، نامی برای خود انتخاب



هسته‌ها را بیمورد دانسته و آن را موجب ایجاد سردرگمی برای کارگران می‌داند. لازم به توضیح است که هر چند وظیفه و برنامه یک سازمان اینست که هر چه بیشتر هسته‌های سیاسی را تشکیل بدهد، در جریان تشکیل-

شان شرکت داشته‌باشد و با این هسته‌ها در ارتباط باشد. اما، آیا پراستی می‌توان گفت که تمامی هسته‌ها در رابطه با سازمان‌ها و گروه‌ها قرار می‌گیرند؟ طبعاً، نه. بسیار زیاد هستند کارگران مبارزی که معتقد به ایدئولوژی کارگری هستند، اما هیچ ارتباطی با سازمان یا گروه ندارند. در صورتی که ماراه تشکیل هسته‌های سیاسی را به این کارگران نشان بدهیم، چه دلیلی دارد که این کارگر-ان نتوانند خودشان دست به تشکیل هسته بزنند؟

بعبارت دیگر، ما کمبود و نقصان ارتباط-ط گیری تشکیلاتی مان با کارگران معتقد به ایدئولوژی کارگری را، از راه ارتباط گیری سیاسی حل کنیم. فکر می‌کنیم با این توضیح، رفیق روشن شده‌باشد. اما، در صورتی که توضیح ما قانع کننده نباشد، در پاسخگویی به نوشته مجدد رفیق حاضریم (فقط قدری روشن و مشخص نوشته شود). آن قسمتی را هم که رفیق اشاره به عدم درگیری ما از تجربیات گرانقدر انقلاب در رابطه با "تحلیل کوتاه وضعیت سیاسی-اجتماعی ایران" رفقای



که هنوز کارمان ایراد زیادی دارد، اما سعی خواهیم کرد که نشریه را بصورتی درآوریم که در عین ساده نویسی، از یکدستی، روانی و استحکام لازم برخوردار باشد.

★ ★ ★

رفیقی درباره تصویر روی جلد نشریه پیکار کارگر شماره ۲ انتقادی فرستاده که کاملاً درست است. منتهی باید بگوئیم که این تصویر به هیچ وجه با نظر سازمان چاپ نشده، زیرا که تجدید چاپ این نشریه توسط خود سازمان صورت نگرفته است.

★ ★ ★

رفیقی نیز در یک صفحه کلاسور بزرگ نامه - ای نوشته و پیشنهاد کرده است که در نشریه به معرفی کتابهای اقتصادی، فلسفی و تاریخی - تکاملی که در بازار موجود بوده و زبان ساده نوشته شده بپردازیم تا از این طریق کارگران علاقمند به مطالعه بیشتری شوند. رفیق همچنین توصیه کرده که توضیحاتی درباره روش مطالعه درست و اصولی برای کارگران بیاوریم. هر دو پیشنهاد رفیق کاملاً مورد قبول ما بوده و سعی خواهیم کرد بتوانیم پیشنهادات وی را عملی کنیم.

★ ★ ★

رفیقی در طی یک نامه ۴ صفحه‌ای در کاغذ کلاسور بزرگ، دو مسئله را مطرح کرده است که یکی در مورد هسته های سیاسی کارگری و دیگری در مورد سرمقاله "کارگر به پیش" شماره ۲ است. در مورد مطلب اول، "رفیق"، راستش ما کاملاً از انتقادات رفیق سردر نیاوریم و در بعضی از قسمتهای انتقاداتش ابهاماتی برایمان باقی ماند. با وجود این، سعی می‌کنیم تا آنجا که محتوای انتقاد رفیق را فهمیده ایم، نظر خودمان را بنویسیم:

رفیق به این دلیل که هسته‌های سیاسی کارگری در رابطه با سازمان قرار داشته و در این رابطه آموزش می‌بینند، طرح مسئله



پرداخته‌ایم چرا که در رابطه با لزوم شرکت و فشار آوردن کارگران به دولت، این مسئله لازم بود. اما، بخش دوم انتقاد رفیق در مورد "چرائی" بدست گرفتن رهبری سایر طبقات بوسیله کارگران را اگر رفیق یکبار دیگر به مقاله مراجعه کند، خواهد دید که به تفصیل صحبت کرده‌ایم و کمبودی ندارد.

۲- درست است. طرح لزوم پشتیبانی متقابل کارگران از مبارزات دانشجویان بر علیه ارتجاع و ضد انقلاب، چیزی بود که تقریباً در نوشته "کاگر، دانشجو، پیوندتان مبارک" بر آن اشاره‌ای شده بود. در مورد "کارگر به پیش شماره ۳": امیدواریم این کمبود گزارشات مبارزاتی کارگران، در شماره‌ی ۴ به بعد، رفع شده باشد.



رفیقی در کاغذی صورتی رنگ انتقاداتی در مورد سرمقاله کارگر به پیش شماره ۲ نوشته است که ما جواب آن قسمت از انتقادات رفیق را که در مورد شوراها‌ی کارگری است موکول به مقاله جامعی که در آینده نزدیکی در این باره خواهیم نوشت می‌کنیم. اما، سایر انتقادات رفیق را درباره سرمقاله قبول داریم و درست است.



رفیقی هم در نامه‌ی ۳ صفحه‌ای با تاریخ ۵۸/۱/۲۵ توصیه‌های ارزنده‌ای در رابطه با هدف از انتشار مجله، محتوای آن، و... کرده است که کاملاً مورد قبول است و خاطر نشان می‌کنیم که ضمن اینکه، بخشی از توصیه‌های این رفیق را تاکنون در مد نظر داشته‌ایم و بخشی دیگر را شاید رفیق در ترکیب نشریه از شماره ۴ به بعد ملاحظه کند، در مجموع سعی می‌کنیم در رابطه با توان و آمادگی ما بتوانیم کلیه این توصیه‌ها را بکار ببندیم.



حیدر عمو اوغلی و "درس‌های قیام مسکو" لنین کرده بود، راستش تفهیم نشدیم.

در بخش دوم انتقادات این رفیق، ما محور انتقاد را بر کلی گوئی و همه جانبه گوئی ای که در سرمقاله شماره ۲ نشریه وجود داشته مشاهده می‌کنیم. محور ما در آن مقاله، لزوم شرکت کارگران در دولت کنونی بوده و برای این کار می‌بایست ضرورت این شرکت را که همان واقعا دمکراتیک نبودن حکومت فعلی است، شرح می‌دادیم. و در همین رابطه نکاتی راجع به جمهوری دمکراتیک خلق و هم چنین حکومت فعلی گفته‌ایم و این، فکر نمی‌کنیم آنطور که رفیق نوشته است، کلی گوئی ای بوده باشد که در واقع هیچ چیزی را برای خواننده روشن نکند. البته قبول داریم که مسئله طرح شده در آنجا، دامنه‌اش بسیار وسیعتر از آن چیزی است که در آنجا آورده شد. اما، این چیزی است که درباره اش ۲۰ صفحه هم می‌توان نوشت، ۲۰۰ صفحه هم می‌توان نوشت. با وجود همه اینها ما تلاش خود را کرده‌ایم که در آن حجم کم، حتی الامکان توانسته باشیم منظور خود را بایبانی ساده به کارگران رسانده باشیم و ادعا هم نمی‌کنیم که در کارمان نقص و کمبود نبوده ولی نه به اینصورتی که تو، به این نقص و کمبود احتمالی ما من زده و پروبالش داده‌ای.

امید داریم همانطور که وعده داده‌ای باز هم برای ما نامه بنویسی و نظرات خود را با ما در میان بگذاری.



رفیق دیگری در یک کاغذ معمولی با خود کار قرمز، انتقادات و پیشنهادهای مطرح کرده است که سعی می‌کنیم فهرستوار جواب دهیم:

۱- در مورد سرمقاله نشریه شماره ۲، بخش اول انتقادات درست است که ما به برتری جمهوری دمکراتیک خلق به حکومت کنونی کم



ادامه از صفحه ۹

کردن جهت ساختن ایرانی آباد و حق بیکاری که تضمینی برای زندگی، و ایمن بودن کارگران در مقابل خطر بیکاری است، خواستی غیر معقول! و ضد انقلابی است؟ آیا تجمع آرام ما، چون کارگروهستیم خرابکارانه است؟ چه کسانی ضد انقلابی هستند؟ ما یا ساواکیها و یا دست نشانندگان و مزدوران کارفرما که به اجتماعات کارگری حمله میکنند؟

ما ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال ضد کارگری از دولت موقت انقلابی می‌خواهیم که ضمن شناسایی این افراد ناباب و دستگیری آنها باطن ضدانقلابی آنها را روشن کند. و از این حرکت‌های ضدانقلابی، ضد کارگری هر چه زودتر جلوگیری کند. ما ضمن اعلام پشتیبانی از تمام کارگران بیکار شده و اخراجی سراسرایران تا بدست آوردن تمام خواسته‌های خود ایستادگی نموده و از تمام کارگران و نیروهای انقلابی می‌خواهیم که در این راه ما را یاری رسانند.

خواسته‌های فوری ما:

۱- ایجاد کار برای کلیه کارگران بیکار.

۲- لغو طرح پیشنهادی وزارت کار در مورد صندوق وام بیکاری و پرداخت حق بیکاری در مواقع بیکاری با توجه به هزینه زندگی.

۳- واگذاری محلی مناسب جهت اجتماعات برای پیشبرد امر سندیکا‌های کارگری.

رفیقی هم با امضای ( یکی از سمپاتی‌زانه‌های سازمان ) دو انتقاد مطرح کرده که اولی را فکر می‌کنیم توانسته باشیم از شماره قبلی نشریه رعایت کنیم و دومی را هم ( که انتقاد به کارگر به پیش شماره ۱ - آبان ۵۷ است ) با این تذکر که این اشکال عمدتاً ناشی از نداشتن خط صحیحی از جانب ما برای تشکل (سازما - نی) کارگران بوده است، می‌پذیریم.

★ ★ ★

رفیق دانشجویی نامه کوچکی با امضای " ییک دانشجوی فرستاده که در آن ضمن اظهار تاسف از توقیف نشریه شماره ۲ و لزوم انتشار مجدد آن از جانب ما، اشاره به امکان چاپی‌ئی کرده است که برای چاپ مجدد نشریه دارد. در مورد اول که قطعاً رفیق متوجه شد که ما علیرغم اینکه نتوانستیم نشریه‌ها را از توقیف کمیته بیرون آوریم، که احتمالاً آنها را از بین برده‌اند، مجدداً آنرا منتشر کردیم. اما، در مورد دوم از رفیق می‌خواهیم با سازمان تماس گرفته و امکان چاپی‌اش را که بسیار مورد نیاز ماست، در اختیار سازمان قرار دهد.

★ ★ ★

البته در جوابگویی به نامه‌ها، برخی از قسمت‌های نامه‌ها را جواب نداده‌ایم. این به آن علت است که این قسمت‌ها در نامه‌های دیگری هم سؤال شده بود که برای جلوگیری از تکرار، در آن نامه‌ها جوابش را داده‌ایم. با امید اینکه شما، خوانندگان عزیز این نشریه باز هم ما را در جریان نظرات انتقادی و پیشنهادی خودتان بگذارید، دست همگی شما را می‌فشاریم. ■



کارگران اخراجی و بیکار شده اهواز  
و حومه

۱۳۵۸ / ۱ / ۱۶



اجتماعی در دانشگاه برپا شده بود. بهمین دلیل کارگران با مزاحمت‌های بسیار زیادی از طرف عناصر ارتجاعی که قصد داشتند از حرکت کارگران بسمت باغ شمال جلوگیری کنند، رو برو شدند و با همه تلاشی که عناصر ارتجاعی کردند، زنان کارگر کارخانه ماشین سازی و کارگران بیکار، سدا ارتجاع را شکستند و به باغ شمال رفتند.

## اهواز

در اهواز نیز مراسم روز جهانی کارگر، توسط عده‌ای ضد کارگر بهم خورد، ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۱۱ اردیبهشت، کارگران بیکار و اخراجی اهواز، از "فلکه زیتون کارگری"، راه پیمائی بسمت باشگاه کارگران را شروع کردند. این راه پیمایی توسط عناصر مرتجع که با چوب و چاقو به کارگران حمله کردند، بهم خورد. در این یورش وحشیانه، ۸ کارگر مجروح شدند.

عده‌ای از کارگران، بعد از متفرق شدن، بسمت باشگاه کارگران رفتند، ولی باز عناصر تحریک شده و ضدانقلابی، تحت حمایت کمیته امام، در کمین بودند تا عمل وحشیانه خود را تکرار کنند. آنها پلاکاردها را پاره کردند و از سخنرانی کارگران جلو گیری نمودند. کارگری می‌گفت:

" من بعد از ۲۶ سال، دلم خوش بود که امروز یک جشن واقعی میگیریم که آنهم اینطور شد. "

رفقای کارگر!

شرح مفصلتر راهپیمائی‌های روز کارگر، در تهران و شهرستانها، در هفته نامه "بیکار" شماره‌های ۲ و ۳ آمده شده است.

## کارنامه‌ی برد محصول رنج بیشمارم

همدم ابزار و کارم

چکش و سندان و گیره، روز و شب در دست دارم  
تا جهد برقی بده سویم  
من ز دیده اشک بارم

کارفرما می برد محصول رنج بیشمارم

جوشکارم، جوشکارم، جوشکارم

هر کجا بینی بنائی، یادگار زنده دارم

از پس یک عمر زحمت، درد و رنج آشکارم

تکه های آهنی را بر سر هم میگذارم

تا که برجی را به اوج آسمانش می رسانم

کارفرما می برد محصول رنج بیشمارم

جوشکارم، جوشکارم، جوشکارم

از برای لقمه‌ای نان، داشما اندر تلاشم

جان دهم، ناچار هستم گربه حال مرگ باشم

کس نداند حال زارم، روزگار دلخراشم

چشم طفلم هست بر ره تا که ببند شب، معاشم

کارفرما می برد محصول رنج بیشمارم

جوشکارم، جوشکارم، جوشکارم

آه! زیر بار، بشکست پشت و استخوانم

وه! چه گویم، روشنی هرگز نبیند آشیانم

روز بیکاری و بیماری، چگونه بگذرانم

درد جانفرسای قلبم، میزند آتش به جانم

کارفرما می برد محصول رنج بیشمارم

جوشکارم، جوشکارم، جوشکارم

این شعر که به وسیله یک کارگر سندیکا ی

فلزکار و مکانیک سروده شده، در جشن

اول ماه مه در این سندیکا خوانده شد.



# اعتراضات رانندگان تاکسی مشهد

رانندگان زحمتکش تاکسی در مشهد، طی اجتماعاتی که در محل کمیته امام، شرکت تعاونی تاکسیرانی، استانداری و سالن ورزشی "مهران" برگزار کردند، ضمن اعتراض به وضع نابسامان شرکت تاکسیرانی و اشاره به سرسپردگی هیئت مدیره شرکت، که ریاست آن بعهده یک سرهنگ بنام "سر-هنگ هاشمی" است به کار مسافرکشی اتو-مبیل‌های شخصی اعتراض کردند. رانندگان در آخرین اجتماع، در سالن ورزشی "مهران" تصمیم گرفتند تا نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده و هیئت مدیره قبلی را برکنار کنند و هیئت مدیره جدیدی را که از خود رانندگان باشد، انتخاب نمایند.

رانندگان در اجتماع خود، قطعنامه ۸ ماده‌ای خود را به تصویب تمام رانندگان تاکسی مشهد رساندند.

متن قطعنامه ۸ ماده ای رانندگان تاکسی مشهد :

۱- ما رانندگان تاکسی می خواهیم که از مسافرکشی شخصی ها جلوگیری شود، و الا خودمان اقدام خواهیم کرد.

۲- ما تاکسی رانان، خواهان برکناری "سرهنگ هاشمی" و هیئت مدیره شرکت هستیم و میخواهیم که جای آنها را نمایندگان واقعی ما بگیرند.

۳- ما تاکسی رانان که هرلحظه در خطر مرگ و تصادف هستیم، خواهان بیمه شدن خود و خانواده خود هستیم.

۴- خرید و فروش تاکسی، فقط یا بدبوسیه شرکت انجام گیرد و از شرکت بدون بهره خریده شود.

۵- تاکسی های تلفنی نباید مزاحم کار مسافرکشی تاکسی های عمومی بشوند.

۶- ما خواهان صندوق وام بیکاری در مواقعی که به آن احتیاج داریم مانند تصادف و بیماری هستیم.

۷- ما خواهان استفاده از امکانات شرکت مانند شرکت تعاونی مصرف، باشگاه و ... هستیم.

۸- ما خواهان رسیدگی به وضع خانواده رانندگان شهیدی هستیم که در جریان انقلاب شهید شده اند.

بیروز باد مبارزات زحمتکشان ایران





# مدت کاری که کارگر در اختیار کارفرما میگذارد، کدام است؟

سرمایه داران برای استثمار کارگران ، همیشه سعی میکنند تا می توانند از آنها کار بکشند . از این رو ، " مدت کار " کارگران از نظر آنان ، فقط آن ساعاتی است که کارگر در کارخانه برای سرمایه دار کار میکند . در قانون کار رژیم پهلوی ، مدت کار را اینطور تعریف کرده اند :

" مقصود از ساعات کار ، مدتی است که کارگر به منظور انجام کار در اختیار کارفرما می باشد و اوقات استراحت و صرف غذا ، جزء ساعات کار محسوب نمی شود . "

با این ترتیب ، سرمایه داران در کمال پروا و وقاحت ، آن مدتی از وقت کارگران را که در سرویس هنگام رفت و برگشت صرف می شود و نیز وقت نهار را جزء ساعات کار بحساب نمی آورند .

پس با این ترتیب ، ساعات کار در " قانون کار " جدید - که بر مبنای منافع کارگران تدوین می شود - باید اینگونه باشد :

" مدت کار " ، زمانی است که یک کارگر برای کارفرما وقت می گذارد و کار می کند . به عبارت واضح تر ، از زمانی که کارگر سوار سرویس می شود ، تا زمانی که در برگشتن از کارخانه ، از سرویس پیاده می شود ، جزء ساعات کار محسوب شده و باید به کارگر حقوق پرداخت شود .

## آزادی بیان و عقیده که حق کارگران است باید در قانون کار جدید تأمین شود.

در زمان رژیم پهلوی ، هیچ کارگری حق نداشت در کارخانه ، حرفی بزند که بر ضد سرمایه داران یا حکومت شاه خائن باشد . هرکس کوچکترین حرف حقی می زد ، بلافاصله سروکارش با ساواک بود و سرانجامش هم اخراج یا حتی زندان .

اما مردم ما مبارزه کرده اند تا رژیم آزادی گش را از بین برده و به آزادی واقعی برسند . به همین جهت کارگران حق دارند در کارخانه بر علیه زورگویی ها و حق کشی های کارفرمایان و نوکران مزدورشان در کارخانه ، سیاست های نادرست دولت مبارزه کرده و سایر کارگران را از بهره کشی های کارفرمایان و فشارهای نوکران مزدور آنها ، آگاه سازند .

کارگران حق دارند از سیاست های نادرست دولت ، که به نفع کارگران و سایر زحمتکشان نیست ، و منافع آنها را زیر پا می گذارد ، انتقاد کرده و کارگران ناآگاه را در این مورد ، آگاه کنند . و کسی حق مزاحمت برای آنها را ندارد . اعم از عمال کارفرما ، پلیس ، افراد کمیته امام و هرکسی که بخواهد مانع آزادی باشد .

در قانون کار جدید - که باید بر مبنای منافع کارگران تدوین شود ، باید حقی آزادی بیان و عقیده برای کلیه کارگران تأمین شده و کسی نتواند جلوی حق گوئی کارگری را بگیرد .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر





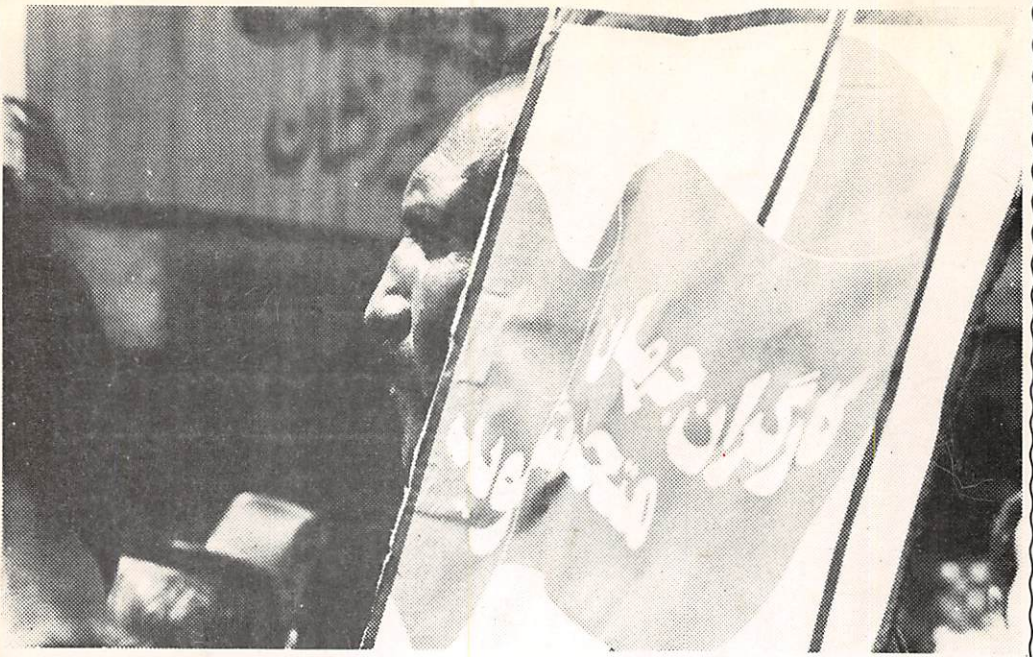
تظاهرات زنان و مردان کارگر،



در روز اول ماه مه

ارشيو اسناد سازمان پيكار در راه آزادی طبقه کارگر





از انتشارات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
 هشتم خرداد ماه ۱۳۵۸

رشته اسناد ساز (ان بی‌اچ‌اچ: ده ریلی (آی) طبقه کارگر